

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شناسنامه

نام کتاب: قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان

تدوین کننده: زکریا اصولی

تایپ و صفحه آرایی: زکریا محمدی

نوبت چاپ: میزان ۱۳۹۶

شماره گان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۹۳۶-۱-۰۱۴۱-۸

سخن نخست

همان‌گونه که در «مسوده قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان»^۱ منتشره سال ۱۳۶۹ هجری خورشیدی متعلق به «حزب حرکت اسلامی افغانستان» متذکر شدم؛ این جا نیز به صورت فشرده لازم به تذکر می‌دانم، این که «قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان»^۱ یک سند تاریخی، حقوقی و... است که از طرف «حزب وحدت اسلامی افغانستان» در سال ۱۳۷۲ هجری خورشیدی در حد یک پیشنهاد مطرح گردیده بود. لزوماً تلاش بر این است که تمام قوانین اساسی افغانستان که در حد یک طرح باقی مانده است و از طرف یک جریان سیاسی و یا هم در یکی از مقاطع تاریخی تدوین شده و مراحل تصویب و توشیح را سپری نکرده است، به دست نشر سپرده شود تا خلاءهای مطروحه تاریخی، حقوقی و سیاسی در متون علمی مرفوع گردد.

خوش بختانه امروزه گفتمان علمی در میان اقشار مختلف جامعه در زمینه‌های گوناگون در حال رشد و نهادینه شدن است. یکی از این مباحث نقد و نظر اسناد تقنینی افغانستان است؛ آن هم به سطح قانون اساسی. دلیل گسترش این گفتمان‌ها رفع نواقص سیاست‌گذاری‌های تقنینی، آگاهی دهی از

۱. سراج، سال اول، شماره ۳ و ۴، بهار و تابستان سال ۱۳۷۴ هجری خورشیدی، صص ۷۳ الی ۱۰۰.

مزایا و کمبودی‌های قوانین و تعمیم حاکمیت قانون است. در چند سال اخیر با شکل‌گیری نهادهای تعلیمی و تحصیلی خصوصی، امید برای تقویت هرچه‌بیش‌تر فراخوان علمی بیش‌تر شده است و این روند گفت‌ووشنود، در حقیقت فرهنگ تساهل و تسامح را میان مردم تقویت بخشیده، تفوق‌طلبی و خشونت‌پروری را نفی می‌کند.

شاید هم نتایج برخاسته از هر نشست، گردهمایی، گفتمان و... ضمانت اجرایی نداشته باشد اما می‌تواند در میان مردم افغانستان روشنگری کند و اصول معقول علمی و منطقی را اساس بگذارد. همان‌گونه که متذکر شدم «قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان» کم‌تر در متون مرتبط به رشته حقوق و تاریخ معاصر افغانستان یادآوری شده است. امیدوارم با نشر این سند بااهمیت تاریخی، بار دیگر شاهد نقدونظر همه فرهیخته‌گان، نویسندگان و استادان محترم دانشگاه‌ها باشیم. جا دارد از همه دوستانی که نقدونظری را در مورد نشر نسخه اصلی قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲ هجری خورشیدی چاپ اول و دوم کرده‌اند، سپاس‌گزاری کنم. همچنان از دوستانی که همکاری علمی، تخنیکی کرده‌اند تا این قانون اساسی تدوین‌گردد، نیز سپاس‌گزار هستیم؛ از جمله: عبدالملین مسلم، همایون شریفی، سهراب بخشی، محمد عمران خیرزاد، عارف اخلاقی، خان‌آقا صاحب‌زاده مجددی، نجیب‌الله مجددی، عبدالشیر لطیفی و خلیل ابراهیمی از بارگاه خداوند^(ج) برای‌شان موفقیت‌های مزید استدعا می‌کنم.

زکریا اصولی

کابل - افغانستان

متجاوزین را در درازنای تاریخ به خود جلب و مورد تجاوز استیلاگران خارجی و لشکرکشیهای استعماری قرار گرفته است. مردم این سرزمین از تجاوز سکندر مقدونی الی شکست قطعی امپراطوری بریتانیای کبیر نه تنها وطن دوستی و آزادگی را از آن خود ساخت بلکه برای سایر مردمان منطقه و جهان بحیث مرکز الهام مبدل گشت.

زمانی که نظامهای مستبد و بیگانه پرست، بر اریکه قدرت جا گرفته و حاکم بر سرنوشت مردم آزاده می گردیدند، سعی نمودند تا ملیتها و اقوام باهم برادر را از یکدیگر دور نگاهدارند تا ارگان زندگی باهمی در پندار و کردارشان رشد نکرده و مناسبات بین آنها تا حدودی سرد و کرخت باشد و یا با دادن امتیاز به یکی و چشم پوشی از حقوق دیگری ایجاد زمینه بدبینیها، تعصبات ناروا و حتی ستیزه جویی ها را در بینشان به راه انداخته تا خود چند روزی به حاکمیت ظالمانه خویش ادامه دهند.

حکام ظالم وقت، برای مردم مسلمان ما کمتر مجال استفاده از منابع سرشار طبیعی کشور و مزایای تمدن بشری را داده که در نتیجه آن فقر، بی اتفاقی و عقب مانعی نصیب مردم ما گردیده است.

اشاره

آنچه می خوانید متن پیش نویس طرح پیشنهادی حزب وحدت اسلامی افغانستان است که در سال ۷۲ در کابل با ابتکار و پیشنهاد استاد شهید عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان تهیه شده بود.

البته لازم به ذکر است که این متن هنوز به طور نهایی مورد تصویب استاد شهید و سایر مسؤولین حزب وحدت قرار نگرفته بود. اما اصول و کلیات آن از نظر آنان گذشته بود. اکنون متن این پیش نویس را جهت مطالعه و استفاده ی صاحب نظران و علاقه مندان به چاپ می سپاریم.

(سراج)

مقدمه

وطن عزیز ما افغانستان یک کشور باستانی و دارای تاریخ چندین هزارساله می باشد که در قلب آسیا، نقطه تقاطع مدنیتهای قدیمی سواحل مدیترانه، هندوچین موقعیت داشته که همین موقعیت حساس جیوپولتیکی آن توجه جهان گشایان و

یتیم و خسارت بی‌شمار مادی و معنوی به‌خاطر تحقق و پیاده‌شدن نظام عدل الهی به پیروزی رسیده که در نتیجه‌ی آن دولت اسلامی در کشور استقرار یافته و زمینه را برای تأمین عدالت اسلامی به‌خاطر ایجاد دولت با قاعده‌ی وسیع، برادری و برابری، تساوی حقوق و آبادی و عمران کشور هموار نموده است؛ حزب وحدت اسلامی افغانستان معتقد است که به‌منظور حل عادلانه مسأله ملی و خاتمه دادن به نفاقهای گوناگون نژادی، لسانی و منطوقی بهترین شکل حاکمیت اسلامی در کشور، ایجاد ساختار دولتی بر پایه اصول فدرال با در نظر داشت تقسیمات ملکی بر اساس ویژگیهای ملی، تاریخی، فرهنگی و سایر مشخصات اجتماعی می‌باشد. لهذا به‌منظور حل عادلانه مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بازسازی کشور جنگ‌زده‌مان مسوده این قانون اساسی را طرح و تقدیم می‌دارد.

فصل اول: نظام سیاسی

ماده اول: دولت افغانستان جمهوری فدرالی اسلامی، مستقل، واحد و غیرقابل تجزیه بوده و بر تمام قلمرو خود دارای حاکمیت می‌باشد.

به‌دنبال کودتای هفت ثور فاجعه بزرگی در تاریخ کشور ما رخ داد و آن عبارت است از هجوم و اشغال وطن عزیز ما از جانب قوای سرخ شوروی که در نتیجه آن جاسوسان بیگانه‌پرست و ضدمردمی به‌قدرت رسیدند. در مقابل این تجاوز ننگین، مردم مسلمان و شهیدپرور، دلیر و وطنپرست ما به اساس حکم صریح قرآن که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» در یک صف واحد جهاد به‌پا خواستند و یا قبول هرگونه قربانی، فداکاری، شهادت، تحمل شکنجه، زجر سلولهای تاریک زندان و رنجهای بیکران مهاجرت با اراده پولادین و توکل به خداوند (ج) ایستادگی نموده با تشکیل احزاب سیاسی، سنگرهای جهادی را ایجاد و سرانجام طی چهارده سال جهاد مقدس نه‌تنها وطن را از لوٹ قوای متجاوز و نوکران آنها پاک کردند، بلکه سایر مردم مسلمان و ملل جهان را از چنگال الحادیشان نجات دادند.

اکنون که انقلاب اسلامی، بر بنیاد ایمان و اعتقاد راسخ به قرآن پاک و احکام نجات‌بخش آن با ثمره جهاد کبیر چهارده ساله، دادن صدها هزار شهید، معلول، بیوه،

زکریا اصولی / ۳

ماده پنجم: قضات، مدعی العموم (سارنوال) و منسوبین قوای مسلح در مدت تصدی وظیفه نمی‌توانند عضویت حزب سیاسی را داشته باشند.

ماده ششم: مردم حق دارند در برابر شخص، مقام و حزبی که قانون اساسی را رعایت نمی‌کنند مقاومت نشان دهند.

ماده هفتم: دفاع از استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، حفظ دست‌آوردهای انقلاب اسلامی، تجهیز مادی و معنوی قوای مسلح (اردو، امنیت و پولیس) از وظایف اساسی دولت اسلامی است.

ماده هشتم: از جمله زبانهای ملی کشور، دری و پشتو زبانهای رسمی می‌باشد. **ماده نهم:** نشان دولتی افغانستان مطابق حکم فقره (۱۶) ماده (۱۰۱) این قانون اساسی از طرف شورای ملی فدرال طرح و تصویب می‌گردد.

ماده دهم: بیرق جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای سه رنگ می‌باشد که به شکل قطعات سیاه، سرخ و سبز از بالا به پایین به صورت افقی به اندازه مساوی واقع شده است. در ربع قسمت بالایی هر دو روی بیرق به طرف چوبه آن نشان جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان قرار دارد.

حاکمیت ملی به مردم مسلمان افغانستان تعلق دارد. قدرت دولت از مردم برخاسته، مردم از طریق انتخابات و رأی‌دهی، به‌وسیله ارگانهای مقننه، اجراییه و قضاییه این قدرت را اعمال می‌نمایند. ارگانهای اجراییه و قضاییه مکلفند از قانون و عدالت اطاعت و پیروی نمایند.

ماده دوم: دین رسمی مردم افغانستان دین مبین اسلام و مذاهب رسمی آن جعفری و حنفی می‌باشد.

ماده سوم: منبع اصلی قوانین در افغانستان اساسات دین مقدس اسلام بوده و هیچ قانونی نمی‌تواند مناقض احکام اسلام و این قانون اساسی باشد.

ماده چهارم: تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی در کشور مجاز است مشروط بر اینکه برنامه آنها با اساسات اسلام، اصول دموکراسی، عدالت اجتماعی و ارزشهای والای انسانی موافق بوده و منابع مالی آن علنی باشد.

- حزبی که اهداف و اعمال آن استقلال سیاسی و حاکمیت ملی کشور را به خطر مواجه سازد مخالف قانون اساسی دانسته شده و محکمه عالی درباره انحلال آن تصمیم اتخاذ می‌نماید.

مخالف با قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی کشور وضع شده نمی تواند.

قانون اساسی و قوانین ایالتی توسط شورای ایالتی هر ایالتی طرح و توسط مجلس شورای ملی فدرال به تصویب می رسد.

ماده پانزدهم: برای تجدیدنظر در تشکیلات اساسی واحدهای اداری و تعیین حدود جغرافیایی ایالات کمیسیون باصلاحیتی از جانب دولت توظیف گردیده و نظریات کمیسیون توسط شورای ملی فدرال تصویب می گردد.

ماده شانزدهم: به ملاحظه علایق منطقی، تاریخی، کلتوری، مقتضیات اقتصادی و سازگاری اخلاقی و اجتماعی، الحاق ایالات به همدیگر و انفصال آنها از یکدیگر و تجدید سازمان و ایجاد تغییر در حدود جغرافیایی ایالات و ایجاد ایالت جدید براساس اراده مردمان ایالات مطابق به احکام این قانون مجاز است.

ماده هفدهم: سیاست خارجی، دفاعی، امنیت ملی، نشر پول، تجارت خارجی و قراردادهای خارجی و معاهدات بین المللی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تحت اداره مستقیم دولت مرکزی فدرالی قرار دارد و هیچ ایالتی نمی تواند در موارد فوق الذکر

طول بیرق بیریق نسبت به عرض آن دوچند می باشد.

ماده یازدهم: پایتخت جمهوری فدرالی اسلام افغانستان شهر کابل است.
ماده دوازدهم: ایالات جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان عبارتند از:

۱- ایالت غرjestان که مرکز آن شهر بامیان می باشد.

۲- ایالت بلخ که مرکز آن شهر مزار شریف می باشد.

۳- ایالت هرات که مرکز آن شهر هرات می باشد.

۴- ایالت کندهار که مرکز آن شهر کندهار می باشد.

۵- ایالت ننگرهار که مرکز آن شهر جلال آباد می باشد.

۶- ایالت کابل که مرکز آن شهر کابل می باشد.

ماده سیزدهم: قانون اساسی جمهوری فدرالی افغانستان توسط کمیسیون تدوین قانون اساسی طرح و مجلس مؤسسان آنرا تصویب می دارد.

ماده چهاردهم: هر ایالت دارای قانون اساسی و قوانین فرعی خاص می باشد. اما قانون اساسی و قوانین فرعی هیچ ایالت

می‌تواند از پولیس سایر ایالات، قوای سرحدی، قوای مسلح، تجهیزات و امکانات مقامات دولتی استمداد نمایند.

ماده بیست و سوم: در صورتیکه خطر فاجعه و سانحه از حدود جغرافیایی یک ایالت فراتر رود، دولت مرکزی فدرال به ادارات ایالات همجوار دستور می‌دهد تا قوای پولیس و تجهیزات خود را در اختیار ایالاتی که در معرض خطر واقع گردیده‌اند قرار داده به قوای سرحدی و قوای مسلح دستور می‌دهد که قوای پولیس و مقامات اداری ایالتی را تقویت نمایند. تدابیر و قیودی که در چنین حالات وضع می‌گردد با از میان رفتن خطر بدون تأخیر رفع می‌گردد.

ماده بیست و چهارم: تمام مقامات دولتی مرکزی فدرال و مقامات ایالتی به یکدیگر کمکهای متقابل قانونی و اداری انجام می‌دهند.

ماده بیست و پنجم: هر عملی که هدف آن ایجاد دشمنی بین ملیت‌ها، اقوام و ایالات باشد مخصوصاً عمل آمادگی برای جنگ تجاوزکارانه، مخالف قانون اساسی اعلام گردیده، جرم قابل مجازات تلقی می‌گردد.

ماده بیست و ششم: اسلحه و وسایل نظامی که برای دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و دفع و طرد تجاوز

بدون اجازه دولت مرکزی فدرال مستقلاً عمل نمایند.

ماده هجدهم: هرگاه بر اثر انعقاد قرارداد و معاهدات دولت مرکزی با دول خارجی، اوضاع و شرایط ایالت و ایالاتی متأثر گردد باید دولت مرکزی قبل از آن با آن ایالت یا ایالات مذاکره و تفاهم نموده تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده نوزدهم: مأمورین عالی‌رتبه که در مقامات عالیه دولت مرکزی فدرال استحکام و همچنان سفرا و دیپلماتهای افغانستانی که در خارج و محافل بین‌المللی تعیین می‌گردند از تمام ایالات براساس اهلیت و متناسب با تعداد نفوس شان انتخاب می‌شوند.

ماده بیستم: ملیتهای ساکن در کشور به تناسب نفوس شان در تشکیل قوای مسلح و قوای امنیت ملی سهم می‌گردند.

– پولیس هر ایالت از مردم آن ایالت تشکیل می‌گردد.

ماده بیست و یکم: چگونگی پرداخت مالیه، محصول، عواید به دولت و مسایل مالی بین دولت و ایالات و بودجه ایالات توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده بیست و دوم: به‌خاطر جلوگیری از فاجعه ملی و یا سانحه بزرگ، هر ایالت

خانواده در مناسبات داخلی جامعه توجه می‌کند.

دولت به منظور حفظ سلامت جامعه درباره‌ی تأمین صحت طفل و مادر و تربیه سالم اطفال تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده سی و یکم: تعلیمات عالیہ اسلام، اخلاق اسلامی، وطن‌دوستی، رسوم و عنعنات پسندیده ملی، زیربنای معنوی جامعه ما را تشکیل داده و دولت به حفظ حرمت، ترویج و تعمیل آن مکلف می‌باشد.

ماده سی و دوم: دولت از حقوق مکلفیت‌های زن در برابر خانواده و جامعه حمایت نموده تساوی حقوق اسلامی و قانونی زن و مرد را در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تضمین می‌نماید.

ماده سی و سوم: دولت به تربیه و مشکلات جوانان و نوجوانان توجه نموده شرایط لازم را جهت پرورش سالم بدنی و استعدادهای فکری آنها فراهم می‌آورد.

ماده سی و چهارم: حق زندگی، آزادی، کار، تحصیل، حق اشتراک در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حق تأمین صحت و تأمین معیشت در ایام بیکاری، حق بازنشستگی بر اثر مرض، کهولت سن و معلولیت ناشی از اجرای

خارجی تدارک دیده می‌شود، استعمال، انتقال و استفاده از آن بدون اجازه دولت مرکزی و حکم قانون مجاز نیست.

ماده بیست و هفتم: در صورت بروز اختلافات و منازعات بین ایالات قضیه به محکمه عالی فدرال ارجاع و فیصله می‌گردد.

فصل دوم: اساسات نظام اجتماعی

ماده بیست و هشتم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان کشور کترالملیت است. دولت سیاست تقویه روحیه برابری و برادری، تفاهم، دوستی، همکاری متقابل ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور را به منظور تأمین عدالت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعقیب می‌نماید.

ماده بیست و نهم: دولت به منظور رشد فرهنگ، زبان، ادبیات و فلکلور مردم لازم اتخاذ کرده و آنرا انکشاف می‌دهد.

ماده سی ام: در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد. خانواده براساس احکام اسلام، اخلاق و عنعنات ملی تشکیل گردیده و دولت حرمت و خصایل اصیل اسلامی و ملی آنرا حفظ نموده به رشد

زکریا اصولی / ۷

انرژی، بنادر و خطوط مواصلاتی از جمله ملکیت‌های دولت می‌باشد.

— سرمایه‌گذاری خصوصی جهت استفاده از جنگل‌ها و چراگاه‌ها، منابع انرژی، معادن، خرید و فروش وسایل مخابراتی طبق قانون مجاز است.

— در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در کنار بانکها، بیمه و ترانسپورت زمینی و هوایی دولتی، ایجاد بانکهای سهامی، بیمه، ترانسپورت‌های هوایی و زمینی خصوصی و مختلط طبق قانون مجاز است.

— تأسیس و فعالیت نمایندگی بانکها و بیمه خارجی طبق قانون مجاز است.

ماده سی و نهم: دولت در ایجاد، تقویه و گسترش مؤسسات تعاونی اسلامی مساعدت می‌نماید.

ماده چهلم: دولت از فعالیت‌های انفرادی پیشه‌وران، اهل حرفه و صنعت، صنایع مستظرفه و صنایع دستی حمایت می‌کند.

ماده چهل و یکم: دولت بانکهای زراعتی، صادراتی، معاملات، رهنی و تعمیراتی و بانکهای تجارتی را تقویه و شرایط استفاده از آنها را برای مردم تسهیل می‌نماید.

ماده چهل و دوم: دولت به دهقانان و زمینداران کمک نموده و در ایجاد فارمهای عادی و مکانیزه زراعتی، مالداري و مرغداری

و وظیفه و حقوق خانواده شهدا از طرف جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تضمین می‌گردد.

فصل سوم: اساسات اقتصادی

ماده سی و پنجم: دولت سیاست اقتصادی را که هدف آن بسیج و بکاربردن تمام منابع کشور به خاطر رفع عقب‌ماندگی، ایجاد شرایط کار، ارتقای سطح زندگی مردم، تکامل اجتماعی، تحکیم و توسعه اقتصادی و رفاه جامعه می‌باشد عملی نموده و به این منظور پلانهای انکشافی اقتصادی و اجتماعی را تنظیم و تطبیق می‌نماید.

ماده سی و ششم: در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان ملکیت از تعرض مصون است.

ماده سی و هفتم: ملکیت به اشکال مختلف دولتی، مختلط، جمعی، اوقاف، خصوصی، شخصی و ملکیت سازمانهای سیاسی و اجتماعی وجود دارد و دولت از تمام انواع ملکیت‌های قانونی حمایت می‌کند.

ماده سی و هشتم: منابع زیرزمینی، جنگل‌ها، چراگاه‌ها، اراضی بایرلم یزرع و لامالک، معادن، منابع اساسی انرژی، آبادات تاریخی، تأسیسات رادیو، تلویزیون، تأسیسات مخابراتی، بندهای بزرگ زراعتی و

برق نساجی، سمنت، ذوب آهن، فابریکات تولید ماشین آلات و راههای مواصلاتی، دولت طبق قانون تشویق و حمایت می کند. مشروط بر اینکه سرمایه گذاری خارجی مغایر منافع ملی کشور نباشد.

ماده چهل و هشتم: در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اشخاص خارجی حقوق مالکیت عقاری را ندارند فروش عقار به نمایندگیهای سیاسی و دول خارجی بر اساس رویه بالمثل و به مؤسسات بین المللی که افغانستان عضو آن می باشد بعد از موافقه حکومت و تصویب شورای ملی (پارلمان) مجاز است.

ماده چهل و هفتم: استملاک ملکیت شخصی از جانب دولت تنها به مقصد تأمین مصالح عامه و در بدل عوض عادلانه صورت می گیرند. مصادره ملکیت بدون حکم قانون و فیصله محکمه به هیچ وجه جایز نیست.

ماده چهل و هشتم: تأدیه مالیه و محصول به دولت مکلفیت اتباع است. اخذ هیچ نوع مالیه و محصول بدون حکم قانون مجاز نیست. اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن با رعایت عدالت اسلامی توسط قانون تعیین و تنظیم می گردد.

خصوصی و مختلط و آبادی اراضی لامزروع مساعدت مؤثر می نماید.

ماده چهل و سوم: دولت شرایط لازم را برای رشد مالداری و ارتقای سطح زندگی مالداران آماده می سازد.

ماده چهل و چهارم: دولت سرمایه و سرمایه گذاری خصوصی را به منظور انکشاف اقتصاد ملی تضمین نموده و اشتراک سرمایه داران ملی را در انکشاف تجارت، ساختمان، ترانسپورت، صنایع خفیفه و ثقیله، ایجاد مؤسسات تحقیقات علمی، صنعتی، تولیدی، زراعت و حفر چاههای عمیق اعمار بندهای کوچک برق، ایجاد کلینیکهای صحی طبق قانون تشویق و حمایت می کند.

دولت از سرمایه و سرمایه داران ملی در برابر رقابت سرمایه خارجی حمایت کرده و حین تنظیم سیاست مالی، کریدتی، گمرکی و قیم، منافع آنها را طبق قانون در نظر می گیرد.

ماده چهل و پنجم: به منظور رفع عقب ماندگی و جبران آن و ایجاد زندگی مرفه و نوین مطابق مقتضیات عصر و زمان، وصول سریع به سطح زندگی عالی، سرمایه گذاری خصوصی، مختلط داخلی و خارجی را در عرصه های صنایع ثقیله و خفیفه، راه آهن، نفت و گاز، بندهای بزرگ

ماده پنجاه و سوم: هیچ افغان در داخل و خارج کشور تبعید نمی‌گردد.

ماده پنجاه و چهارم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در خارج تحت حمایت دولت قرار داشته و دولت از حقوق و منافع قانونی آنها حمایت می‌کند.

ماده پنجاه و پنجم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از حقوق و آزادیهای اتباع خارجی مقیم در افغانستان حمایت نموده و آنها مکلفند احکام قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت کنند.

ماده پنجاه و ششم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اعم از زن و مرد بدون در نظر داشت تعلقات ملیت، نژاد، لسان، قبیله، دین، مذهب، عقیده سیاسی، تحصیل و شغل و دارایی، موقف دولتی و اجتماعی، محل سکونت و اقامت در بابر قانون دارای حقوق و وجایب یکسان بوده مورد تبعیض و یا امتیاز قرار نمی‌گیرند.

ماده پنجاه و هفتم: زندگی حق طبیعی انسان است، هیچکس بدون مجوز قانونی و شرعی از این حق محروم نمی‌گردد.

ماده پنجاه و هشتم: کرامت انسان از تعرض مصون است و دولت مکلف به حمایت از آن می‌باشد.

— این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می‌گردد.

ماده چهل و نهم: دولت در مورد حفظ طبیعت، ثروت‌های طبیعی و استفاده معقول از منابع آن، بهبود محیط‌زیست، حفظ جنگلات، جلوگیری از آلودگی آب و هوا، حفظ و بقای عالم حیوانات و نباتات، تدابیر لازم اتخاذ و عملی می‌نماید.

ماده پنجاهم: تطبیق و گسترش اوزان، مقیاس‌ها و محک‌ها با نورم و ستندرد بین‌المللی در سراسر کشور وظیفه دولت می‌باشد.

فصل چهارم: تابعیت، آزادی، حقوق اساسی و وجایب اتباع کشور

ماده پنجاه و یکم: تابعیت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان برای تمام اتباع مساوی و یکسان است. حصول و سلب تابعیت توسط قانون تنظیم می‌گردد.

— هر شخصیکه تابعیت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را طبق قانون دارا باشد افغان نامیده می‌شود.

ماده پنجاه و دوم: هیچ افغان بعلت اتهام به یک جرم به دولت خارجی تسلیم داده نمی‌شود.

مردم ساکن در کشور گردد اکیداً ممنوع است.

ماده شصت و چهارم: اتباع حق دارند در زندگی سیاسی، اجتماعی و اداره‌ی امور دولت به صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان خود شرکت نمایند.

ماده شصت و پنجم: اتباع دارای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بوده شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده شصت و ششم: اتباع دارای حق آزادی فکر و بیان می‌باشند و آنها از این حق به وسیله گفتن، نوشتن، رسم تصویر، نشر کتب، مجلات و جراید و سایر وسایل طبق قانون استفاده می‌نمایند.

ماده شصت و هفتم: طبع و نشر کتب، مجله، روزنامه و جراید طبق قانون آزاد است.

ماده شصت و هشتم: در حالت اضطرار و یا زمان جنگ بالای مطبوعات، جراید و سایر وسایل ارتباط جمعی کنترل محدود و مؤقت وضع گردیده که بعد از رفع آن حالت، محدودیت وضع شده مرفوع می‌گردد.

ماده شصت و نهم: دولت آزادی تحقیقات علمی، هنری، کلتوری و ابتکارات

ماده پنجاه و نهم: آزادی حق طبیعی انسان بوده و این حق جز آزادی دیگران، منافع عامه و احکام قانون، حدودی ندارد.

ماده شصتم: تمام اتباع جمهوری فدرالی افغانستان در انتخاب شغل، حرفه، مسلک، محل کار و زیست و محل آموزش و پرورش آزادند.

ماده شصت و یکم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای حق مسافرت و انتخاب آزاد محل سکونت و اقامت در کشور می‌باشند. دولت می‌تواند به منظور حفظ امنیت و نظم عامه و جلوگیری از شیوع امراض، مسافرت، سکونت و اقامت را در مناطق موقتاً محدود و یا ممنوع سازد.

ماده شصت و دوم: اتباع حق دارند طبق قانون به خارج کشور مسافرت نموده و به وطن عودت نمایند.

ماده شصت و سوم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اجرای مناسک و مراسم دینی و مذهبی را برای تمام مسلمانان کشور تضمین میکند و پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم مذهبی خویش آزاد می‌باشند اما تبلیغ و اظهار آن‌گونه عقاید و اجرای مراسمی که بر وحدت ملی و امنیت کشور صدمه وارد نموده مناقض احکام دین اسلام باشد و موجب ایجاد دشمنی در میان اقوام و ملیتها و

- هیچکس را نمی‌توان توقیف نمود مگر به استیذان محکمه باصلاحیت و مطابق با احکام قانون.

- هیچکس را نمی‌توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه باصلاحیت و مطابق با احکام قانون و متناسب به جرمیکه مرتکب گردیده است.

- جرم امر شخصی است، با ارتکاب آن شخص دیگر مجازات نمی‌گردد.

- متهم حق دارد شخصاً و یا توسط وکیل مدافع از خود دفاع کند.

ماده هفتاد و چهارم: جزای مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعذیب جواز ندارد.

- گرفتن اقرار، شهادت یا اظهار از متهم یا شخصی دیگر به‌وسیله تهدید، تخویف و اکراه ممنوع است.

- اقرار، اظهار و شهادتیکه از متهم و یا شخص دیگر به‌وسیله تهدید، تخویف و اکراه گرفته می‌شود اعتبار ندارد. هرگاه موظفین خدمات عامه، متهم و یا شخصی دیگر را به‌منظور گرفتن اقرار، اظهار و یا شهادت شکنجه نمایند و یا به‌تعمیل شکنجه امر نمایند، مطابق قانون مجازات می‌گردد.

ادبی را تضمین نموده و وسایل تشویق لازم را برای این منظور فراهم می‌سازد.

ماده هفتادم: اتباع حق دارند به‌صورت مسالمت‌آمیز بدون اطلاعیه قبلی به دولت اجتماعات تشکیل دهند. گردهم‌آییها مطابق قانون جواز دارد.

ماده هفتادویکم: اتباع حق دارند که سازمانهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و تحقیقاتی طبق قانون ایجاد نمایند. تشکیل سازمان‌هایی که مخالف مصالح عالیای مملکت و دارای خصلت نظامی باشد جواز ندارد.

ماده هفتاد و دوم: اتباع دارای حق شکایت، انتقاد و پیشنهاد فردی و دست جمعی بوده و ارگانهای دولت و مسئولین موظفند به شکایات، پیشنهادات و انتقادات در موعدیکه قانون تعیین کرده رسیدگی و اجراءات نمایند. تعقیب به‌خاطر انتقاد ممنوع است.

ماده هفتاد و سوم: برائت ذمه، حالت اصلی است. متهم تا زمانیکه به حکم قطعی محکمه محکوم نشده باشد بیگناه شناخته می‌شود.

- هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر مطابق با احکام قانون.

- شرایط و طرز جبران خساره توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هفتاد و نهم: هر نوع تجاوز بر آزادیهای شخصی، مصونیت زندگی و سایر حقوق و آزادیهای قانونی اتباع جرم بوده، بالای متجاوز اقامه دعوی جزایی و مدنی صورت می‌گیرد. دولت تعویض و جبران خساره عادلانه را برای شخصیکه مورد تجاوز قرار گرفته تضمین می‌کند.

ماده هشتادم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان با در نظر داشت نیازمندیهای جامعه مطابق رشته تخصصی خویش دارای حق احراز و ظایف دولتی و انتخاب شغل می‌باشند.

- عزل کارمندان دولت بدون حکم قانون و حکم محکمه باصلاحیت جواز ندارد.

ماده هشتاد و یکم: دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعیین ساعات کار، اندازه مزد، ایام رخصتی، ایام تعطیل با معاش، چگونگی شرایط کار و ایام استراحت، تأمین ایام بیکاری حقوق متقاعدین و حقوق معلولینیکه معلولیت شان ناشی از اجرای وظیفه شده باشد و حقوق بازماندگان شهدا را طبق قانون تنظیم می‌کند.

- استاد به امر مقامات مافوق، مرتکب را از مجازات ناشی از ارتکاب اعمال خلاف قانون برائت نمی‌دهد.

ماده هفتاد و پنجم: مدیون بودن شخص موجب سلب آزادی وی شده نمی‌تواند. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هفتاد و ششم: در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان، حرمت و مصونیت منزل و مسکن تضمین می‌گردد هیچکس بهشمول نماینده دولت بدون اجازه ساکن و اهل منزل نمی‌تواند در آن داخل گردیده و یا تفتیش نماید مگر در حالاتیکه قانون اجازه دهد.

ماده هفتاد و هفتم: دولت محرمیت مراسلات، مخابرات تلفونی و تلگرافی را تضمین می‌نماید. هیچکس بهشمول نماینده دولت نمی‌تواند بدون حکم قانون به تفتیش مراسلات و استراق سمع مخابرات اقدام نماید.

ماده هفتاد و هشتم: هرگاه اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از ارگانهای دولتی و سازمانهای اجتماعی و سیاسی و مسئولین امور حین اجرای وظیفه متضرر گردند دارای حق جبران خساره می‌باشند.

ماده هشتاد و چهارم: دولت از تحقیقات علمی، فنی و هنری تشویق و حمایت نموده و از حقوق مادی و معنوی مؤلفان، مخترعان و محققان حراست نموده نتایج تحقیقات علمی، فنی و هنری را در جامعه و زندگی اجتماعی و ترویج مینماید.

ماده هشتاد و پنجم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان مکلفند احکام این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت نمایند.

- بی‌خبری از احکام قانون، عذر و سند برانت شمرده نمی‌شود.

ماده هشتاد و ششم: هر تبعه کشور مکلف است طبق حکم ماده ۴۸ این قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.

ماده هشتاد و هفتم: اتباع افغانی مکلفند که از استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی دفاع نمایند شرایط خدمت در قوای مسلح مطابق به احکام قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هشتاد و هشتم: دولت از حقوق اساسی و آزادیهای اتباع حمایت نموده شرایط لازم را برای انجام مکلفیتهای اتباع فراهم می‌سازد. هیچکس حق ندارد از حقوق و از آدیهای مندرج این قانون اساسی علیه امنیت مملکت و مصالح علیای وطن و

ماده هشتاد و دوم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای حق تعلیم و تربیه و تحصیل رایگان می‌باشند.

- دولت به منظور ارتقای سطح و تجهیز جامعه به علوم و تکنولوژی معاصر و رشد سیستم تحصیلات عالی و تربیه کادرهای ملی، تأمین عملیات ابتدایی اجباری، تعلیمات عمومی تخنیکی حرفوی و مسلکی و امحای بیسودی تدابیر لازم را اتخاذ می‌نماید.

- ایجاد مؤسسات تعلیمی و تحصیلی در صورتی که با معیارهای تحصیلی دولت برابر باشد بخش خصوصی طبق قانون مجاز است.

ماده هشتاد و سوم: دولت به منظور حفظ صحت عامه و خدمات صحی سراسری ملی و جلوگیری از امراض واگیر مراکز خدمات صحی و مؤسسات پرورش دکتوران طب را توسعه داده و از ایجاد مؤسسات و خدمات طبی خصوصی که با معیارهای دولتی برابر باشد. مطابق قانون حمایت می‌نماید.

- دولت درباره توسعه خدمات صحی رایگان، تأمین صحت کهن سالان، معلولین کار، جنگ و وارثین شهدا، تأمین صحت طفل و مادر تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

۵- رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی سارنوال).

۶- از هر پنجاه هزار نفر یک نفر نماینده براساس انتخابات عمومی، آزاد، سری و مستقیم.

۷- اعضای کمیسیون مؤظف طرح تسوید قانون اساسی.

ماده نود و سوم: شخص انتخاب‌شونده برای عضویت در مجلس مؤسسان باید خواندن و نوشتن را بلداند.

ماده نود و چهارم: هیأت اداری مجلس مؤسسان توسط خود مجلس مؤسسان تصویب و تعداد آنها در طرزالعمل مجلس تعیین می‌گردد.

ماده نود و پنجم: مجلس مؤسسان اولین قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را تصویب نموده و به توشیح رئیس جمهور می‌رساند.

ماده نود و ششم: کار مجلس مؤسسان بعد از تصویب اولین قانون اساسی دولت فدرالی اسلامی کشور خاتمه می‌یابد.

فصل ششم: شورای ملی فدرال

ماده نود و هفتم: شورای ملی فدرالی مظهر اراده مردم افغانستان است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند.

منافع عامه و بر ضرر حقوق و آزادیهای سایر اتباع استفاده نماید.

ماده هشتاد و نهم: دولت مکلف است جهت جلوگیری از فرار مغزها، شرایط لازم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را برای بازگشت دانشمندان و متخصصین افغانی مقیم خارج کشور به وطن ایجاد نماید.

ماده نودم: دولت مکلف است به منظور بازگشت با اطمینان هموطنان مهاجر، مناطق مزروعی، مسکونی و راه‌ها را از وجود انواع مینها و مواد منفجره پاکسازی نموده و شرایط لازم زندگی را برای‌شان مساعد نماید.

فصل پنجم: مجلس مؤسسان

ماده نود و یکم: مجلس مؤسسان صرف برای یک‌دوره تعیینیه مؤقت بوده که به منظور تصویب اولین قانون اساسی دولت فدرال اسلامی کشور، نمایندگان منتخب مردم دعوت می‌گردند.

ماده نود و دوم: مجلس مؤسسان متشکل است است:

۱- رئیس جمهور و معاونان آن.

۲- رهبران احزاب جهادی کشور.

۳- وزرای دولت.

۴- قاضی القضاات و معاونان او.

ریاست جمهوری و محکمه عالی به
تصویب سه ریع اعضای شورای ملی فدرال.
۲- قبول استعفاى رئیس جمهور و
معاونان او

۳- تصمیم بر عزل، تحقیق و محاکمه
رئیس جمهور و معاونان او در حالت حکم
فقره ۴ این ماده.

۴- هرگاه رئیس جمهور و یا معاونان او
به ارتکاب جرم و یا خیانت بزرگ متهم
گردند، موضوع به اساس در خواست یک
ثلث اعضا در مجلس شورای ملی فدرال
مطرح و مورد غور و بررسی می‌گیرد. هرگاه
دوثلث اعضای شورا آنرا وارد دانست در آن
صورت جهت تعقیب، تحقیق، تعیین کیفر و
محازات رئیس جمهور و یا معاونان او
محکمه اختصاصی تشکیل می‌گردد.

- اعضای محکمه اختصاصی عبارتند از:

الف) رئیس محکمه عالی به‌حیث رئیس
محکمه اختصاصی.

ب) رئیس شورای ملی فدرال به‌حیث
نایب رئیس محکمه اختصاصی.

ج) رئیس دیوان عالی مدعی العمومیت،
(لوی سارنوال) به‌حیث منشی رئیس محکمه
اختصاصی.

د) رئیس محکمه قانون اساسی به‌حیث
عضو رئیس محکمه اختصاصی.

- مردم افغانستان از طریق شورای ملی
فدرال در زندگی سیاسی مملکت سهم
می‌گیرند.

ماده نود و هشتم: اعضای شورای ملی
فدرال از طریق رأی‌گیری عمومی، مساوی،
آزاد، سری و مستقیم براساس تعداد نفوس
برای یکدوره تقنینی چهارساله طبق قانون
انتخاب می‌شوند.

ماد نود و نهم: سن قانون عضویت در
شورای ملی فدرال برای مرد و زن تکمیل ۲۵
سال و سن قانونی برای رأی‌دهنده در تمام
عرصه‌های انتخاباتی تکمیل ۲۰ سال
می‌باشد.

- شرط اشتراک در رأی‌دهی و انتخاب
شدن، داشتن تذکره تابعیت می‌باشد.

- سایر شرایط و طرز انتخابات در قانون
انتخابات تنظیم می‌گردد.

ماده صدم: شورای ملی فدرال در اولین
جلسه خویش یک نفر را به‌حیث رئیس و دو
نفر را به‌حیث نایب رئیس دو نفر را به‌حیث
منشی و نایب منشی برای مدت دو سال از
بین اعضای خویش انتخاب می‌نماید.

ماده یکصد و یکم: شورای ملی فدرالی
دارای صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

۱- تعدیل قانون اساسی به پیشنهاد ۵۰
فیصد اعضای شورای ملی و موافقت مقام

– هرگاه معاون دوم نیز معین جرم متهم باشد، در آن صورت وظایف مقام ریاست جمهوری را رئیس شورای ملی فدرال تا فیصله محکمه اختصاصی به عهده می‌گیرد.

– هرگاه رئیس جمهور و یا معاونان او نزد محکمه اختصاصی برائت حاصل نمایند تا ختم دوره ریاست جمهوری به وظایف خویش ادامه می‌دهند. ولی به هیچ وجه در دوره بعدی کاندید شده نمی‌توانند.

– هرگاه رئیس جمهور و یا معاونان او نظر به فیصله محکمه اختصاصی محکوم شناخته می‌شوند. شورای ملی فدرال کمیسیون را توظیف تا طبق فقره ۳ ماده ۱۱۸ این قانون اساسی، انتخابات عمومی را برگزار نماید.

۵- تصویب، تعدیل و لغو قوانین، فرامین تقنینی و تقدیم آنها به رئیس جمهور غرض توشیح و اعلام الغای آنها از جانب رئیس جمهور.

۶- تصویب پلانیهای انکشافی، اقتصادی و اجتماعی و تایید گزارش حکومت در مورد اجرای آنها.

۷- تصویب و عقد و فسخ معاهدات دوجانبه بین الدول و تصویب الحاق به معاهدات بین المللی و انفصال از آنها.

ه) نایبان و منشیان شورای ملی فدرال بحیث عضو رئیس محکمه اختصاصی. (و رؤسای شورای ایالات فدرال به حیث عضو رئیس محکمه اختصاصی.

این محکمه اختصاصی می‌تواند از قضات، پولیس، مدعی العموم (سارنوال) و افراد اداری و مسایل تحقیق استفاده نماید. افراد اخیرالذکر عضو محکمه اختصاصی نبوده و حق رأی و قضاوت را ندارند. در تمام این حالات جریان تحقیق سری بوده و افشاکنده آن طبق قانون حفظ اسرار دولت مجازات می‌گردد.

– محکمه اختصاصی مکلف است که از آغاز تشکیل در مدت حداکثر ۵۰ روز فیصله خود را صادر نماید. این فیصله نهایی بوده استیناف طلب نیست.

– در صورتیکه محکمه اختصاصی بعد از فیصله لازم داند، جریان به اطلاع عامه رسانیده می‌شود.

– در حالت فوق معاون اول رئیس جمهوری از مقام ریاست جمهوری سرپرستی می‌نماید.

– در صورتیکه معاون اول نیز معین جرم متهم گردد، معاون دوم رئیس جمهور از مقام ریاست جمهوری سرپرستی می‌نماید.

۱۹- اعطای رأی اعتماد یا سلب اعتماد از کابینه و اعضای آن.

۲۰- تصویب قوانین مطروحه شوراهای ایالات فدرال.

ماده یکصد و دوم: مجلس شورای ملی فدرال در اولین اجلاس خود کمیسیون را از بین اعضای خود جهت بررسی و تأیید عضویت انتخاب می‌کند. این کمیسیون نتایج بررسی را به مجلس شورای ملی فدرال گزارش می‌دهد.

ماده یکصد و سوم: رئیس مجلس شورای ملی فدرال رهبری و تأمین نظم مجلس را به عهده دارد. در غیاب رئیس مجلس وظایف آن را یکی از نایبان مجلس انجام می‌دهد.

- اجلاس عادی شورای ملی فدرال در سال هفت ماه و در دو موعده می‌باشد.

- اجلاس اول از هفته اول برج حوت شروع و به سی و یکم برج جوزا ختم می‌گردد.

- اجلاس دوم از اول برج سنبله شروع و روز سی ام برج عقرب ختم می‌گردد.

- در صورتیکه در اجلاس مجلس شورای ملی فدرال بودجه سالانه و یا پلان انکشافی دولت مطرح باشد، مدت اجلاس

۸- تصویب بودجه دولت فدرالی اسلامی افغانستان و بودجه ایالات و بررسی گزارش در مورد اجرای آن‌ها.

۹- تصویب ایجاد ایالت جدید و الحاق ایالات به همدیگر و تصویب تغییرات جغرافیایی ناشی از ایجاد ایالت جدید و الحاق ایالات به همدیگر.

۱۰- تصویب حدود جغرافیایی ایالات و واحدهای اداری آن‌ها.

۱۱- ایجاد و لغو وزارتخانه‌های فدرال.

۱۲- تصویب اخذ قرضه از دول خارجی و اعطای قرضه و امتیازات به آن‌ها.

۱۳- موافقت با اعلان جنگ و متارکه.

۱۴- اتخاذ تصمیم در مسایل مهمی که به سرنوشت کشور تعلق دارد.

۱۵- وضع نشانها و مدالها و القاب افتخاری طبق قانون.

۱۶- تصویب نشان دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و تصویب سرود ملی به زبانهای دری و پشتو.

۱۷- تأیید برقراری و قطع روابط با دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی.

۱۸- استماع جواب قوه اجرائیه در مورد اجراءات شامل صلاحیت‌هایشان در جلسه استجواب.

مجلس شورای ملی الی تصویب آن تمدید می‌گردد.

- هیچکس نمی‌تواند عتفاً به مقرر شورا داخل شود. متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات می‌گردد.

شروع سال مالی صورت نگیرد، بودجه سال گذشته الی تصویب بودجه سال جدید تطبیق می‌گردد.

ماده یکصد و هفتم: مجلس شورای ملی اصول و وظایف داخلی خود را وضع و تصویب می‌نماید.

- اجلاس فوق‌العاده مجلس شورای ملی براساس تصمیم رئیس جمهور، مطالبه رئیس مجلس شورای ملی فدرال و یا تقاضای یک ربع اعضای مجلس دایر شده می‌تواند.

ماده یکصد و هشتم: مجلس برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث، طبق احکام اصول و وظایف داخلی خود کمیسیونها را تعیین می‌نماید.

ماده یکصد و چهارم: اولین اجلاس دوره تقنینیه شورای ملی به‌وسیله رئیس جمهور طی مدت سی روز بعد از ختم انتخابات فراخوانده می‌شود.

ماده یکصد و نهم: شورای ملی فدرال صلاحیت دارد براساس پیش نهاد یک ثلث اعضای خود جهت تحقیق اجراءات کابینه در مرکز و ایالات کمیسیونهای تحقیق تعیین نماید.

ماده یکصد و پنجم: به استثنای حالاتی که اخذ تصمیم در آن به اکثریت دو ثلث مجموع آرای اعضا و یا بالاتر تصریح و قید گردیده باشد، نصاب مجلس شورای ملی با حضور دو ثلث اعضای آن تکمیل و تصمیم مجلس به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد.

- ترکیب و طرز العمل کمیسیون تحقیق در اصول وظایف داخلی تثبیت می‌گردد.

ماده یکصد و ششم: اجلاس شورای ملی علنی بوده مگر اینکه مجلس به سری بودن آن تصمیم بگیرد. جریان مباحثات مجلس ثبت می‌گردد.

ماده یکصد و دهم: شورای ملی فدرال حق دارد در جلسه استیضاح از رئیس و هیأت وزرا توضیحات بخواهد پاسخ استیضاح به صورت تحریری و یا شفاهی ارائه می‌گردد.

مجلس شورای ملی فدرال می‌تواند براساس پاسخ ارائه شده موضوع سلب اعتماد از رئیس هیأت وزرا و یا اعضای آنرا مورد بررسی قرار دهد. هیأت وزرا که مورد سلب اعتماد قرار

مجلس شورای ملی فدرال می‌تواند براساس پاسخ ارائه شده موضوع سلب اعتماد از رئیس هیأت وزرا و یا اعضای آنرا مورد بررسی قرار دهد. هیأت وزرا که مورد سلب اعتماد قرار

۳- حداقل عشر اعضای مجلس شورای ملی فدرال.

۴- هیأت وزرا.

۵- محکمه عالی.

۶- دیوان عالی مدعی العمومیت (سارنوالی).

۷- در صورتیکه وضع، تعدیل و لغو قانون موجب افزایش و یا کاهش عواید دولت گردد مشوره با هیأت وزرا ضروری است.

ماده یکصد و چهاردهم: تصاویر شورای ملی فدرال بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می‌گردد.

- در صورتیکه رئیس جمهور به تصمیم شورای ملی موافقه نداشته باشد می‌تواند آنرا در ظرف ۳۰ روز بعد از تاریخ تقدیم با تذکر دلایل به شورای ملی فدرال مسترد نماید.

- هرگاه رئیس جمهور بعد از سپری شدن تاریخ تقدیم تصاویر شورای ملی را مسترد نمود و همچنان در صورت استرداد هرگاه مجلس شورای ملی فدرال موضوع مستردشده را دوباره با اکثریت آرای اعضا تصویب نماید تصمیم نافذ شمرده شده، رئیس جمهور ملکف است آنرا توشیح نموده و انفاذ آنرا اعلام نماید.

ماده یکصد و پانزدهم: قوانین و مصوبات شورای ملی فدرال به زبانهای دری

می‌گیرد تا تشکیل کابینه جدید به وظایف خود ادامه می‌دهند.

ماده یکصد و یازدهم: اعضای کابینه می‌توانند با کسب اجازه از رئیس شورای ملی فدرال با رأی مشورتی در جلسات عمومی و کمیسیونهای آن اشتراک نمایند.

ماده یکصد و دوازدهم: اعضای شورای ملی فدرال در اجلاس خویش دارای حق رأی و اظهار نظر می‌باشند.

- هیچ عضو شورای ملی فدرال به خاطر رأی با اظهار نظر در داخل و یا خارج شورای ملی مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

- به استثنای حالات جرم مشهود، عضو شورای ملی بدون موافقه شورای ملی فدرال و در حالت بین دو اجلاس شورای ملی فدرال بدون موافقت هیأت اداری آن مورد تعقیب عدلی قرار گرفته نمی‌تواند.

- هرگاه عضو شورای ملی در حالت جرم مشهود گرفتار گردد باید به هیأت اداری مجلس شورای ملی فدرال اطلاع داده شود.

ماده یکصد و سیزدهم: مقامات ذیل حق پیشنهاد، وضع، تعدیل و لغو قانون را به شورای ملی دارا می‌باشند:

۱- رئیس جمهور.

۲- کمیسیونهای مجلس شورای ملی فدرال.

قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان / ۲۰

- یک شخص نمی تواند پیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.
- رئیس جمهور نزد شورای ملی مسؤول بوده و مکلف به ارائه گزارش می باشد.
- به منظور انتخاب رئیس جمهور جدید، شورای ملی فدرال طی مدت ۶۰ روز قبل از ختم دوره صلاحیت رئیس جمهور انتخابات را برگزار می نماید.

ماده یکصد و نوزدهم: هر تبعه جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان که سن ۳۰ سالگی را تکمیل کرده باشد، خود و همسر وی از والدین افغان متولد شده و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد به حیث رئیس جمهور انتخاب شده می تواند.
ماده یکصد و بیستم: رئیس جمهور بعد از انتخاب شدن در شورای ملی فدرال حلف آتی را به جا می آورد:

«به نام خداوند عظیم و توانا سوگند یاد می کنم که در تمام اعمال خود الله جل جلا له را حاضر و ناظر دانسته، احکام دین مبین اسلام را اطاعت، قانون اساسی و قوانین دولت را حمایت، استقلال وطن، تمامیت ارضی مملکت را حفاظت، حقوق مردم و آزادیهای اساسی اتباع را حراست نمایم.
با استعانت از بارگاه پروردگار تمام مساعی خود را در برقراری عدالت در جامعه

و پشتو به نشر می رسد و می توان آنرا به زبانهای سایر ملیتهای کشور نیز نشر نمود.
ماده یکصد و شانزدهم: طرز فعالیت مجلس شورای ملی فدرال و کمیسیونهای دایمی آن توسط طرز العمل مجلس شورا در مطابقت با احکام قانون اساسی و قوانین نافذ کشور تنظیم می گردد.

فصل هفتم: رئیس جمهور و معاونان او

ماده یکصد و هفدهم: رئیس جمهور، رئیس دولت و عالیترین شخصیت ملی کشور است. رئیس جمهور از دست آوردهای انقلاب اسلامی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، قانون اساسی، حاکمیت قانون و وحدت ملی حمایت نموده، حدود قوای دولت را جهت تأمین نقش آنها در اجرای وظایف ملی و اسلامی رعایت می کند.

- رئیس جمهور از صلاحیتهای قانونی در عرصه تقنینیه، اجراییه، قضاییه و ارگانهای ایالتی فدرال مطابق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین کشور برخوردار می باشد.

ماده یکصد و هیجدهم: رئیس جمهور توسط آرای عمومی و مستقیم مردم برای مدت ۴ سال انتخاب می گردد.

الف) معاون یا معاونان رئیس جمهور باید تبعه افغانستان بوده خود و همسران شان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوق مدنی و سیاسی باشند.

ب) معاونان رئیس جمهور بعد از اخذ تأیید شورای ملی حلف آتی را به حضور اعضای مجلس شورای ملی فدرال بجا می آورند:

«به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که قانون اساسی و دیگر قوانین جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را محترم شمارم و از آن پیروی کنم و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع ملی نموده از اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان حمایت نمایم.»

۱۱- مطالبه عزل معاونان رئیس جمهور از شورای ملی فدرال.

۱۲- معرفی هیأت وزار غرض اخذ رأی اعتماد به شورای ملی فدرال.

۱۳- منظوری وزرا بعد از کسب رأی اعتماد از شورای ملی فدرال و قبول استعفاي آنان.

۱۴- منظور رؤسای ایالتی بعد از تصویب شورای ایالت فدرال و تعلیق صلاحیت آنها در حالت اضطرار طبق قانون.

و در راه سعادت مردم و ترقی ملت افغانستان به کار برم.»

ماده یکصد و بیست و یکم: رئیس جمهور علاوه بر سایر صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی دارای صلاحیتهای ذیل می باشد:

۱- قیادت اعلاي قوای مسلح کشور.

۲- اعلان و متارکه جنگ به موافقه شورای

ملی فدرال.

۳- تعیین اعضای کمیسیون طرح تسوید قانون اساسی.

۴- اعلان انتخابات برای تدویر مجلس مؤسسان.

۵- دعوت، دایر کردن و افتتاح شورای ملی فدرال به استثنای حالت مندرج فقره ۳ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی.

۶- دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورای ملی فدرال.

۷- توشیح قانون اساسی و سایر قوانین و اعلام انفاذ آنها و صدور فرامین تقنینی.

۸- اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق احکام قانون.

۹- توشیح معاهدات بین الدول بعد از تصویب شورای ملی فدرال.

۱۰- معرفی معاونان رئیس جمهور به شورای ملی فدرال به منظور تأیید تقرر آن ها.

ماده یکصد و بیست و دوم:

رئیس جمهور و معاونان او در مدت تصدی و وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی‌توانند.

ماده یکصد و بیست و سوم:

رئیس جمهور نزد رئیس جمهور و شورای ملی فدرال در قسمت اجراءات و وظیفوی خویش مسؤول می‌باشند.

ماده یکصد و بیست و چهارم:

جمهور به غیر از حالات بیماری صعب‌العلاج و دوامدار، استعفا یا حالت مندرج فقره ۴ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی الی ختم دوره صلاحیت به وظیفه خود ادامه می‌دهد.

- در تمام حالاتیکه رئیس جمهور تواند وظایف خود را ایفا نماید وظایف او از طرف معاون اول رئیس جمهور اجرا می‌گردد.

- در صورتیکه معاون اول رئیس جمهور نیز با حالت فقره ۴ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی مواجه باشد یکی دیگر از معاونان وظایف رئیس جمهور را به عهده می‌گیرد.

- درحالی که همه معاونین رئیس جمهور با حالت فقره ۴ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی مواجه باشند، وظایف رئیس جمهور را رئیس شورای ملی فدرال اجرا می‌نماید.

۱۵- منظوری انفکاک، تقرر، ترفیع و تقاعد اعضای محکمه عالی، قضات، کارمندان و افسران عالی‌رتبه طبق قانون.

۱۶- اتخاذ تصمیم در مورد نظرخواهی عمومی راجع به مسایل عمده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

۱۷- عفو و تخفیف مجازات.

۱۸- منظوری سران نمایندگیهای سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و منظوری نمایندگان دائمی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان نزد مؤسسات بین‌المللی و قبول اعتمادنامههای نمایندگان سیاسی خارجی.

۱۹- اعلام حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن طبق قانون.

۲۰- اعطای القاب افتخاری و اعطای نشانها و مدالها طبق قانون.

۲۱- منظوری سرود ملی و نشان دولتی بعد از تصویب شورای ملی فدرال.

۲۲- اعلام الغای قوانینی که عدم مطابقت آن با قانون اساسی توسط محکمه عالی قانون اساسی تثبیت شده باشد.

۲۳- ایجاد دستگاه اداری ریاست جمهوری.

۲۴- اعمال سایر صلاحیتهایی که در این قانون اساسی و سایر قوانین کشور به آن تصریح شده باشد.

۱- تطبیق سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام قانون و اساسات دین مقدس اسلام.

۲- اداره، انسجام، مراقبت امور وزارتخانه‌ها و سایر دوایر و مؤسسات دولتی.

۳- صدور تصامیم اجرائیوی و اداری طبق قوانین و فرامین صادره و نظارت بر تطبیق آنها.

۴- تسوید قوانین و وضع مقررات.

۵- ترتیب و تنظیم بودجه دولت و اتخاذ تدابیر برای استحکام وضع اقتصادی و سیستم پولی و مالیو تقدیم آن غرض تصویب شورای ملی فدرال.

۶- طرح پلانهای انکشافی دولت و تقدیم آن غرض تصویب به شورای ملی فدرال و اتخاذ تدابیر برای تطبیق و اجرای آن.

۷- اخذ قروض داخلی و خارجی و تأدیه آن بعد از تصویب شورای ملی فدرال.

۸- اتخاذ تدابیر لازم و مؤثر جهت از بین بردن هر نوع فساد اداری مطابق با احکام قانون.

۹- تأمین نظم و امنیت عمومی

۱۰. عقد قراردادهای با ممالک و مؤسسات

خارجی مطابق به احکام قانون.

۱۱- اجرای سایر وظایفیکه این قانون

اساسی و قوانین به هیأت وزرا سپرده باشد.

ماده یکصد و بیست و پنجم: در حالت اراده استعفا، رئیس جمهور استعفاى خود را مستقیماً به شورای ملی فدرال تقدیم می‌نماید.

ماده یکصد و بیست و ششم: در حالت استعفا یا وفات رئیس جمهور، معاون اول او الی انتخاب رئیس جمهور جدید از مقام ریاست جمهوری سرپرستی می‌نماید. - در صورت نبودن معاون اول، معاون دوم وظایف ریاست جمهوری را به‌عهده می‌گیرد.

- در چنین حالت، شورای ملی فدرال مکلف به اجرای حکم فقره سوم ماده ۱۱۸ این قانون اساسی می‌باشد.

فصل هشتم: هیأت وزرا

ماده یکصد و بیست و هفتم: هیأت وزرا ارگان عالی اجرائیوی و اداری دولت بوده و تحت رهبری رئیس جمهور ایفای وظیفه می‌نماید.

- وزرا باید تبعه افغانستان بوده و خود و همسرانشان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوق مدنی و سیاسی باشند.

ماده یکصد و بیست و هشتم: هیأت وزار دارای وظایف و صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

که مرکب است از: قاضی القضاة و معاونان قاضی القضاة و اعضا.

- تعداد مجموعی اعضای محکمه عالی نباید از پانزده نفر بیشتر باشد.

ماده یکصدوسی و پنجم: رئیس جمهور بکنفر از قضاة را به حیث قاضی القضاة تعیین می نماید.

ماده یکصدوسی و ششم: اعضای محکمه عالی و رؤسای دیوانهای محکمه عالی و رؤسای محاکم به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین و مقرر می گردند.

ماده یکصدوسی و هفتم: رئیس القضاة ایالت به پیشنهاد رئیس هیأت اجراییه ایالت، مؤافقه قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین و مقرر می گردد.

- سایر قضاة ایالتی به پیشنهاد رئیس القضاة و منظوری رئیس هیأت اجراییه ایالت، تعیین و مقرر می گردند.

ماده یکصدوسی و هشتم: اعضای محکمه عالی دارای صفات ذیل می باشند.
۱- سن ۳۰ سالگی را تکمیل و تابعیت دولت فدرال اسلامی افغانستان را دارا باشد.

ماده یکصد و بیست و نهم: هیأت وزرا برای تنظیم امور اجراییوی خویش مقررات وضع می کند. این مقررات مناقض نص یا روحیه این قانون اساسی و سایر قوانین نافذہ کشور بوده نمی تواند.

ماده یکصد و سی ام: هیأت وزرا در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی توانند.

ماده یکصد و سی و یکم: هیأت وزرا در برابر رئیس جمهور و شورای ملی فدرال در قسمت اجراءات خود مسؤول می باشند.

ماده یکصد و سی و دوم: اتهام جرم علیه وزیر یا وزرا از طرف یک ثلث اعضای شورای ملی تقاضا شده می تواند.

- تعقیب، تحقیق و محاکمه آنها طبق حکم فقره ۴ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی صورت می گیرد.

فصل نهم: قوه قضاییه فدرال

ماده یکصد و سی و سوم: قوه قضاییه یک رکن مستقل دولت بوده و مرکب از محکمه عالی و محاکم دیگری که طبق قانون تشکیل می گردد، می باشد.

ماده یکصد و سی و چهارم: محکمه عالی، عالیترین ارگان قوه قضاییه فدرال بوده

گرفته و در پیشگاه قضا مطابق به احکام قانون اقامه می‌گردد.

ماده یکصد و چهل و سوم: محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود طبق مواد این قانون اساسی و قوانین دولت فدرال و احکام شریعت اسلام حکم می‌نماید.

- هرگاه برای قضیه از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت فدرال حکمی موجود نباشد در آن صورت محکمه مطابق اساسات شریعت اسلام که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید حکم صادر می‌کنند.

ماده یکصد و چهل و چهارم: در محاکم کشور محاکمه به صورت علنی اجرا می‌گردد و هر کس حق حضور را در آن مطابق به احکام قانون دارد.

- فیصله‌های قطعی محاکم واجب‌التعمیل است. در صورتیکه محکمه شخص را محکوم به اعدام نماید توشیح رئیس جمهور شرط است.

- محکمه می‌تواند در حالت استثنایی جلسات را سری دایر نماید ولی اعلان حکم به هر حال باید علنی صورت گیرد.

- محاکم مکلف اند، دلایل حکم را در فیصله خویش ذکر نمایند.

۲- از احکام فقه اسلامی، قوانین مدنی و حقوقی آگاهی کافی داشته و دارای امانت و تقوا باشد.

۳- محکوم به حرمان از حقوق مدنی نشده باشد.

ماده یکصد و سی و نهم: قاضی القضاات و اعضای محکمه عالی قبل از اشغال وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور بجا می‌آورند:

«به نام خداوند بزرگ^(ج) سوگند یاد می‌کنم که وظیفه قضا را با کمال امانت و شرافت اجرا نموده حق، عدالت و قوانین اسلامی و سایر احکام و ارزشهای قانون اساسی و قوانین جمهوری فدرال اسلامی افغانستان را رعایت نموده و در همه احوال و اجراءات خود خداوند^(ج) را حاضر دانسته از حقوق مردم و عدالت حمایت نمایم.»

ماده یکصد و چهل: در تمام مقامات قوه قضاییه، دو ثلث قضات آن از پیروان مذهب حنفی و یک ثلث قضات آن از پیروان مذهب جعفری می‌باشد.

ماده یکصد و چهل و دوم: صلاحیت قضا شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به‌شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی‌الیه قرار

حالت ماده ۱۵۰ این قانون اساسی بعد از ختم قانونی دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از امتیازات قانونی مستفید می‌گردند.

ماده یکصد و چهل و نهم: قاضی القضاات، اعضای محکمه عالی و قضات عالی‌رتبه می‌توانند طبق احکام قانون از وظیفه قضا استعفا بدهند. استعفا آنها از طرف رئیس جمهور منظور می‌گردد.

ماده یکصد و پنجاهم: هرگاه یک ثلث اعضای شورای ملی، محاکمه قاضی القضاات، یک یا چند عضو محکمه عالی را براساس اتهام جرم تقاضا نماید و شورای ملی فدرال این تقاضا را به اکثریت دو ثلث اعضا تصویب نماید، متهم از وظیفه سبکدوش می‌گردد.

– شورای ملی فدرال هیأت باصلاحیتی را از میان اعضای خویش جهت تعقیب، تحقیق و محاکمه متهم با متهمین تعیین می‌کند.

– این هیأت تحت ریاست رئیس شورای ملی فدرال متهم را مطابق به حکم قانون محاکمه نموده، در صورتیکه جرم متهم ثابت گردد او را از وظیفه عزل و به جزا محکوم می‌سازد.

ماده یکصد و پنجاه و یکم: محکمه عالی، تشکیلات و اجراء محاکم و امور

ماده یکصد و چهل و پنجم: کشف جرایم از طرف پولیس بوده تعقیب، تحقیق و اقامه دعوی آن از طرف مدعی العموم (سارنوال) که جزء قوه قضاییه می‌باشد مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

ماده یکصد و چهل و ششم: در هیچ حالت به استثنای جنگ نمی‌توان امور مربوط به قضا را از دایره صلاحیت قوه قضاییه دولت فدرال به نحویکه در این فصل معین گردیده خارج ساخته و به مقام دیگری تفویض نمود. – این حکم مانع تشکیل محاکم نظامی نمی‌گردد. حدود صلاحیت محاکم نظامی منحصر به جرایم منسوبین قوای مسلح بوده تشکیل و صلاحیت آن توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و چهل و هفتم: رئیس جمهوری می‌تواند در مورد اعضای محکمه عالی و رئیس آن بعد از مرور هر چهار سال از تاریخ تعیین شان تجدیدنظر نماید.

– قاضی القضاات و اعضای محکمه عالی و رئیس القضاات به استثنای حالت مندرج ماده ۱۵۰ این قانون اساسی قبل از انقضای چهار سال به هیچ وسیله دیگر از وظایفشان برطرف نمی‌شوند.

ماده یکصد و چهل و هشتم: قاضی القضاات و اعضای محکمه عالی به استثنای

تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی‌توانند.

فصل دهم: مدعی العمومیت (سارنوال)

ماده یکصد و پنجاه و هشتم: مدعی العمومیت (سارنوالی) بخشی از قوه قضائیه بوده و متشکل از رئیس عمومی، معاونین و سایر سارنوالان می‌باشند.

ماده یکصد و پنجاه و نهم: نظارت بر تطبیق، اجرا و رعایت یکسان قوانین از طرف وزارتخانه‌ها، ادارات، مؤسسات دولتی و اجتماعی، ایالات، احزاب سیاسی، مسئولین و اتباع به‌عهده مدعی العمومیت (سارنوالی) می‌باشد.

ماده یکصد و شصتم: رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی سارنوال) رهبری فعالیت ارگانهای مدعی العمومیت (سارنوالی) را به‌عهده دارد.

ماده یکصد و شصت و یکم: رئیس عمومی و معاونین مدعی العمومیت به پیشنهاد قاضی القضاات و منظوری رئیس جمهور و سایر مدعی العمومها (سارنوالان) به پیشنهاد رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی سارنوال) و منظوری قاضی القضاات تعیین می‌گردند.

قضایی را مطابق با احکام این قانون اساسی و قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قضایی تنظیم می‌نماید.

ماده یکصد و پنجاه و دوم: بودجه قوه قضائیه از طرف قاضی القضاات به مشوره هیأت وزرا ترتیب گردیده به‌حیث یک جز بودجه دولت به شورای ملی فدرال تقدیم می‌شود. تطبیق بودجه قضا از صلاحیت قاضی القضاات می‌باشد.

ماده یکصد و پنجاه و سوم: محکمه عالی می‌تواند در ساحت تنظیم امور قضایی قوانین را تسوید و به شورای ملی فدرال پیشنهاد نماید.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم: در مورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می‌باشد.

ماده یکصد و چهل و پنجم: تبدیل، ترفیع، تقاعد، قبول استعفا و مواخذه قضاات مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

ماده یکصد و پنجاه و ششم: برای قضاات معاش مناسب توسط قانون تعیین می‌گردد.

ماده یکصد و پنجاه و هفتم: قاضی القضاات و اعضای محکمه عالی در مدت

الف) بررسی مطابقت قوانین، فرامین
تقنینی و معاهدات بین‌المللی با قانون
اساسی.

ب) تفسیر قانون اساسی.

ج) ارائه مشوره‌های قانونی درباره مسایل
ناشی از قانون اساسی به رئیس جمهور.

د) ابراز نظر درباره مطابقت و عدم
مطابقت اسناد تقنینی با قانون اساسی.

ه) ارائه پیشنهادات مشخص به منظور
بهبود و انکشاف امور قانون‌گذاری به مراجع
مربوط.

و) محکمه قانون اساسی منازعات و
اختلافات قانونی را که حکم صریح در قانون
اساسی نداشته باشد و بین مراجع دولتی و یا
بین اشخاص و دولت مورد منازعه باشد حل
و فصل می‌نماید.

ماده یکصد و شصت و ششم:
محکمه قانون اساسی متشکل از رئیس،
معاون، منشی و ده نفر عضو می‌باشد.

ماده یکصد و شصت و هفتم: اعضای
محکمه قانون اساسی به پیشنهاد قاضی
القضات و منظوری رئیس جمهور فدرالی
اسلامی افغانستان تعیین و مقرر می‌گردند.

ماده یکصد و شصت و هشتم:
تشکیل و طرز فعالیت محکمه قانون اساسی
توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و شصت و دوم: رئیس
مدعی العمومیت (لوی سارنوال) ایالت
براساس پیشنهاد رئیس هیأت اجرائیه ایالت و
مؤافقه رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی
سارنوال) مرکزی و منظوری قاضی القضات
مقرر می‌شود.

– سایر مدعی العمومهای ایالت براساس
پیشنهاد رئیس مدعی العموم ایالت و منظوری
رئیس هیأت اجرائیه ایالت مقرر می‌شوند.

ماده یکصد و شصت و سوم: تشکیل،
ترکیب، صلاحیت و طرز فعالیت
مدعی العمومیت (سارنوالی) توسط قانون
تنظیم می‌گردد.

فصل یازدهم: محکمه قانون اساسی

ماده یکصد و شصت و چهارم:
محکمه قانون اساسی جمهوری فدرالی
اسلامی افغانستان به منظور مراقبت و نظارت
از مطابقت قوانین، اسناد تقنینی و معاهدات
بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر قوانین در
چروکات قوه قضائیه ایجاد می‌گردد.

ماده یکصد و شصت و پنجم:
محکمه قانون اساسی دارای صلاحیتهای
ذیل می‌باشد:

فصل سیزدهم: سیاست خارجی

ماده یکصد و هفتاد و دوم: سیاست خارجی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بر مبنای تأمین منافع ملی، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشور، حفظ امنیت جهانی، حسن همجواری، تساوی حقوق و انکشاف همه جانبه همکاری بین‌المللی استوار می‌باشد.

ماده یکصد و هفتاد و سوم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان سیاست عدم انسلاک را به حیث اصل مهم سیاست خارجی خویش دنبال کرده و به مثابه یکی از بنیان‌گزاران جنبش عدم انسلاک در جهت نیل به اهداف آن تلاش می‌کند.

ماده یکصد و هفتاد و چهارم: فدرالی اسلامی افغانستان خواهان برقراری و تحکیم مناسبات نیک با کشورهای اسلامی برادر، کشورهای دوست و همه کشورهای جهان مبتنی بر اصول تساوی حقوق، احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله و تجاوز در امور داخلی یکدیگر، عدم توسل به زور، تهدید یا قوه، رد هرگونه مداخله علنی و مخفی، عدم اشتراک در پیمانهای نظامی استعماری، اجرای

فصل دوازدهم: اداره

ماده یکصد و شصت و نهم: اداره جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ایالتی طبق قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و هفتادم: اداره مرکزی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان متشکل از هیأت وزرا و ادارات مربوطه آن می‌باشد. اداره ایالتی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان متشکل از ایالات، ولایات، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و نواحی می‌باشد.

در رأس واحدهای متذکره بالترتیب مسئول هیأت وزرا، رئیس هیأت اجراییه ایالت، والی‌ها، ولسوال‌ها، شاروال و آمرین نواحی قرار دارند.

ماده یکصد و هفتاد و یکم: والیها بر اساس پیشنهاد رئیس اجراییه ایالت، تصویب شورای ایالت و منظوری مسئول هیأت وزرا مقرر می‌گردند.

ولسوال‌ها بر اساس پیشنهاد والی و منظوری رئیس هیأت اجراییه ایالت مقرر می‌گردند شاروالیها و آمرین نواحی بر اساس قانون شاروالیها انتخاب می‌گردند.

پایگاههای نظامی خارجی، رفع تشنجات منطقی و بین المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادی جهانی پشتیبانی می کند.

فصل چهاردهم: حالت اضطرار

ماده یکصد و هفتاد و هشتم: هرگاه خطر جنگ، جنگ، اغتشاش و امثال آن که استقلال، حاکمیت ملی و امنیت داخلی را به خطر مواجه سازد، به نحویکه تأمین آن در این قانون مشخص شده ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور بعد از موافقه رئیس شورای ملی فدرال و قاضی القضاة اعلام می گردد.

ماده یکصد و هفتاد و نهم: هرگاه حالت اضطرار پیش از یک ماه دوام نماید، برای تمدید آن تصویب شورای ملی فدرال شرط است.

ماده یکصد و هشتادم: در حالت اضطرار، مجلس شورای ملی فدرال می تواند صلاحیتهای فوق العاده به رئیس جمهور واگذار نماید.

ماده یکصد و هشتاد و یکم: در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند بعد از اخذ موافقه رئیس شورای ملی و قاضی القضاة محکمه ای اختصاصی ایجاد نماید.

تعهدات بین المللی مطابق به اصول و موازین قبول شده حقوق بین الملل می باشد.

ماده یکصد و هفتاد و پنجم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان موادات منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر تصمیمات و مقررات بین المللی را رعایت می کند.

در صورتیکه قسماً و یا تماماً فیصله های بین المللی که تنها وسیله تأمین منافع استعمار، استعمار، تجاوز و سلطه گری باشد و به ضرر ملل و کشورهای مسلمان و جهان تمام گردد، این نوع فیصله ها را غیر عادلانه دانسته خود را مکلف به اجرای آن نمی داند.

ماده یکصد و هفتاد و ششم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از مبارزات برحق مردمان مسلمان و جهان به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و حق تعیین سرنوشت شان پشتیبانی نموده بر ضد استعمار، صهیونیسم و فاشیسم مبارزه می کند.

ماده یکصد و هفتاد و هفتم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در مبارزه به خاطر خلع سلاح عام و تام، قطع مسابقات تسلیحاتی در زمین و فضا، عدم گسترش و امحای سلاحهای هسته ای و کیمیاوی و سایر انواع کشتار جمعی، از بین بردن

فصل پانزدهم: تعدیل

ماده یکصد و هشتاد و ششم: اصل پیروی از اساسات اسلام و نظام جمهوری فدرال اسلامی کشور مطابق با احکام این قانون اساسی تعدیل نمی‌شود.

ماده یکصد و هشتاد و هفتم: نظر به ایجابات عصر، مواد این قانون اساسی مطابق حکم قرقه ۱ ماده ۱۰۱ تعدیل می‌گردد.

ماده یکصد و هشتاد و هشتم: طرح تعدیل قانون اساسی هر ایالت به پیشنهاد اکثریت اعضای شورای آن ایالت و موافقه رئیس اجراییه ایالت غرض تصویب به شورای ملی فدرال تقدیم و بعد از تصویب شورای ملی و توشیح رئیس جمهور نافذ می‌گردد.

فصل شانزدهم: احکام انتقالی

ماده یکصد و هشتاد و نهم: اولین قانون انتخابات توسط فرمان تقنینی رئیس جمهور نافذ و اعلان می‌گردد.

ماده یکصد و نودم: با انفاذ این قانون اساسی رئیس جمهور جدید را به اساس قانون انتخابات اعلام می‌دارد.

ماده یکصد و نود و یکم: رئیس جمهور جدید مطابق با احکام قانون

ماده یکصد و هشتاد و دوم: در حالت اضطرار، رئیس جمهور می‌تواند بعد از اخذ موافقه شورای ملی فدرال پایتخت کشور را مؤقتاً در محل دیگر انتقال دهد.

ماده یکصد و هشتاد و سوم: هرگاه دوره وکالت اعضای شورای ملی فدرال در جریان حالت اضطرار ختم گردد، رئیس جمهور می‌تواند بعد از موافقه مجلس شورای ملی فدرال جریان انتخابات جدید را معطل قرار داده و دوره وکالت اعضای شورای ملی فدرال را تا ختم حالت اضطرار تمدید نماید.

- بعد از ختم حالت اضطرار بلاوقفه انتخابات برگزار می‌گردد.

ماده یکصد و هشتاد و چهارم: در حالت اضطرار، قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعدیل نمی‌شود.

ماده یکصد و هشتاد و پنجم: هرگاه در حالت اضطرار دوره صلاحیت رئیس جمهور خاتمه یابد، مجلس شورای ملی فدرال می‌عاد خدمت رئیس جمهور را الی ختم حالت اضطرار تمدید می‌نماید.

- بعد از ختم حالت اضطرار مطابق حکم ماده ۱۱۸ این قانون اساسی رئیس جمهور جدید انتخاب می‌گردد.

ماده دوم: هر ایالت در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان مطابق قانون اساسی دارای حدود معین جغرافیایی بوده و بر تمام قلمرو خویش دارای حاکمیت می‌باشد.

ماده سوم: دین رسمی مردم ایالت، دین مقدس اسلام و مذاهب رسمی آن جعفری و حنفی می‌باشد.

ماده چهارم: دفاع از استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و حفظ دست‌آوردهای انقلاب اسلامی از جمله وظایف اساسی تمام مردم ایالت می‌باشد.

ماده پنجم: زبانهای رسمی ایالت دری و پشتو است.

ماده ششم: هر ایالت دارای قانون اساسی است که با قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان مطابقت داشته و خصوصیات ایالت را در نظر می‌گیرد.

ماده هفتم: قانون اساسی ایالت توسط کمیسیون تدوین قانون اساسی ایالت طرح و بعد از نظرخواهی مردم ایالت و تایید شورای ایالتی به شورای ملی جمهوری فدرالی اسلامی جهت تصویب پیشنهاد می‌گردد.

ماده هشتم: منبع اساسی قوانین در ایالت، اساسات دین مقدس اسلام بوده و هیچ قانون نمی‌تواند مناقض احکام شریعت اسلام بوده و هیچ قانون نمی‌تواند مناقض

انتخابات، انتخابات اعضای شورای ملی را اعلام می‌دارد.

ماده یکصد و نود و دوم: بعد از تشکیل مجلس شورای ملی فدرال اسلامی، رئیس جمهور جدید فرمان انحلال کابینه مؤقت را صادر و کابینه جدید را بر طبق روحیه این قانون اساسی توظیف و به مجلس شورای ملی فدرال غرض اخذ رأی اعتماد معرفی می‌نماید.

- در خلال مدت تشکیل کابینه جدید الی اخذ رأی اعتماد از شورای ملی فدرال کابینه مؤقت به وظیفه خود ادامه می‌دهد.

ماده یکصد و نود و سوم: مطابق حکم ماده (۱۳۵) این قانون اساسی، رئیس جمهور جدید، محکمه عالی را تعیین می‌نماید.

قانون اساسی ایالت فدرال ضمیمه قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان فصل اول: نظام سیاسی ایالت

ماده اول: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان کشور کثیرالملّیت بوده که بنا بر خواست اکثریت مردم و علایق فرهنگی، مذهبی، زبانی و سیاسی، ایالات در قلمرو آن تشکیل می‌گردد.

برابری، روابط نیک دوستی و همکاری متقابل استوار است.

ماده چهاردهم: ایالات حق دارند قراردادهای متقابلاً مفید تجارتي، فرهنگي و غيره را با هم عقد و از تجارب يکديگر استفاده نمايند.

ماده پانزدهم: مقامات ایالت با مقامات جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و مقامات سایر ایالات کمکهای متقابل قانونی و اداری را انجام می دهند.

ماده شانزدهم: مردم ایالت برای حفظ منافع ایالت، از طریق شورای ایالتی و برای حفظ منافع علیای کشور از طریق شورای ملی سهم می گیرند.

ماده هفدهم: ایالت پلانهای اقتصادی و اجتماعی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را در قلمرو خویش تطبیق نموده و فیصله های مقامات عالیله دولتی و اداری جمهوری فدرالی اسلامی کشور را عملی می سازد.

ماده هیجدهم: چگونگی پرداخت مالیا، جمع آوری محصول، عواید و مسائلی مالی ایالت توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نوزدهم: مردم هر ایالت به تناسب نفوس خویش در ترکیب قوای مسلح اشتراک می ورزد.

احکام شریعت اسلام و قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان وضع گردد.

ماده نهم: ایالت دارای قوای مستقل مقننه، مجریه و قضائیه بوده و در حدود صلاحیت خود مسائلی مربوط را حل و فصل می نماید.

ماده دهم: هر ایالت در پهلوی بیرق جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بنا بر خصوصیات ایالتی خویش دارای بیرق و نشان ایالتی نیز می باشد.

ماده یازدهم: ایالت در محدوده حاکمیت خویش دارای واحدهای اداری: مرکز ایالت، ولایت ولسوالی، شاروالی و نواحی آن می باشد.

ماده دوازدهم: حدود ایالت و واحدهای اداری آن بدون موافقت شورای ایالتی و تصویب شورای ملی فدرال تغییر نمی یابد.

- برای تعیین حدود ایالات کمیسیون باصلاحیتی از طرف دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعیین گردیده و حدود معینه ایالات را شورای ملی تصویب می نماید.

ماده سیزدهم: مناسبات بین ایالات بر مبنای حسن تفاهم، تقویه روحیه برادری،

- پولیس هر ایالت از مردم آن ایالت تشکیل می‌گردد.

ماده بیستم: مردم ایالت حق دارد، متناسب نفوس شان و همچنان براساس اصل اهلیت و شایستگی در تمام مقامات عالیه دولت مرکزی، قوای مسلح، سفارتخانه‌ها و نمایندگیهای دیپلماتیک در خارج کشور و محافل بین‌المللی تعیین و مقرر گردند.

فصل دوم: اساسات نظام اجتماعی اقتصادی

ماده بیست و یکم: ایالت اصل تقویه روحیه همکاری، تفاهم، دوستی و برادری را به‌منظور تأمین عدالت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در میان مردم ایالت تعقیب می‌نماید.

ماده بیست و دوم: ایالت به‌منظور رشد فرهنگ، زبان و ادبیات، جمع‌آوری و نشر فلکلور مردم تدابیر لازم اتخاذ و آنرا انکشاف می‌دهد.

ماده بیست و سوم: ایالت مکلف است حرمت و خصایل اصیل اسلامی، ملی، قومی و نژادی مردمان ایالت را حفظ نموده و به تقویه مناسبات داخلی مردم تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده بیست و چهارم: ایالت به‌منظور حفظ سلامت ساکنان ایالت در باره تأمین صحت طفل و مادر و تربیه سالم اطفال توجه جدی مبذول می‌دارد.

ماده بیست و پنجم: تعلیمات عالیه اسلام، اخلاق اسلامی، وطن‌دوستی، رسم و رواجهای پسندیده مردم زیربنای معنوی جامعه ما را تشکیل داده، ایالت به حفظ، حرمت، ترویج و تعمیل آن مکلف می‌باشد.

ماده بیست و ششم: ایالت از حقوق و خدمات زن در برابر خانواده و جامعه حمایت می‌کند.

- تساوی حقوق اسلامی و قانونی زن و مرد را در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تضمین می‌نماید.

ماده بیست و هفتم: ایالت به تربیه سالم جوانان و نوجوانان مطابق به روحیه احکام شریعت اسلام توجه نموده و شرایط لازم را جهت پرورش سالم بدنی و استعدادهای فکری آنان فراهم می‌سازد.

ماده بیست و هشتم: حق زندگی، آزادی، کار، تحصیل، مسافرت و حق اشتراک در زندگی سیاسی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حق تأمین صحت، تأمین معیشت ایام بی‌کاری، بازنشستگی،

بهره‌گیری از زمینهای بایر و لامزرع، حفظ ابدات تاریخی، ایجاد و توسعه منابع اساسی انرژی، تأسیسات رادیو و تلویزیون، مخابرات، شفاخانه‌ها، بندهای بزرگ زراعتی و انرژی، بنادر و خطوط مواصلاتی را طرح و از طریق هیأت وزرا غرض تصویب به شورای ملی فدرال تقدیم می‌نماید.

ماده سی و سوم: ایالت در ایجاد، تقویه و گسترش مؤسسات تعاونی اسلامی مساعدت می‌نماید.

ماده سی و چهارم: ایالت در فعالیتهای انفرادی و جمعی کسبه‌کاران، اهل حرفه و صنعت، صنایع مستظرفه و صنایع دستی که یکی از محصولات خوب و قدیمی کشور به‌شمار می‌رود تشویق و حمایت می‌نماید.

ماده سی و پنجم: ایالت در مورد حفظ طبیعت، ثروتهای طبیعی و استفاده معقول از آن‌ها، بهبود محیط‌زیست، حفظ جنگلات، جلوگیری از آلودگی آب‌وهوا، حفظ و ابقای حیوانات و نباتات تدابیر لازم اتخاذ و علمی می‌نماید.

ماده سی و ششم: ایالت وظیفه خود می‌داند که نسبت به بسط و توسعه تعلیمات اجباری رایگان، همگانی و ریشه‌کن نمودن بی‌سوادی و سوادآموزی عمومی، ایجاد و استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو،

معلولیت و حق خانواده شهدا در ایالت مطابق قانون تضمین می‌گردد.

ماده بیست و نهم: ایالت پلانهای انکشافی، اقتصادی و اجتماعی را به‌منظور بسیج و بهره‌برداری از تمام منابع ایالتی به‌خاطر رفع عقب‌ماندگی، بلند بردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم، ایجاد زمینه کار، تکامل ساختار اجتماعی - اقتصادی طرح و تدوین نموده و از طریق هیأت‌وزار - غرض تصویب به شورای ملی تقدیم می‌نماید.

ماده سی‌ام: در ایالات ملکیت از تعرض مصون است.

- ملکیت به اشکال مختلف دولتی، مختلط، جمعی، خصوصی، شخصی و ملکیت سازمانهای سیاسی و اجتماعی وجود دارد. ایالت از تمام انواع ملکیت‌های قانونی حمایت می‌کند.

ماده سی و یکم: ایالت در رابطه به ملکیت دولتی، سرمایه‌گذاریهای خصوصی و خارجی، ایجاد و فعالیت نمایندگی بانکهای خارجی مطابق احکام قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان عمل می‌نماید.

ماده سی و دوم: ایالت پلانهای اقتصادی را در عرصه‌های استخراج منابع زیرزمین، معادن، استفاده از چراگاه‌ها،

و مستقیم برای یک دوره تقنینی سه ساله طبق قانون انتخاب می‌شوند.

ماده چهل و یکم: سن قانونی عضویت در شورای ایالتی برای مرد و زن ۲۵ سال و سن قانونی برای رأی‌دهنده تکمیل ۲۰ سال می‌باشد.

- شرط اشتراک در رأی‌دهی و انتخاب شدن داشتن تذکره تابعیت می‌باشد.

- سایر شرایط و طرز انتخابات در قانون انتخابات خود ایالت تنظیم می‌گردد.

ماده چهل و دوم: اولین اجلاس دوره تقنینی شورای ایالتی به وسیله رئیس هیأت اجراییه ایالت طی مدت ۳۰ روز بعد از ختم انتخابات فراخوانده می‌شود.

ماده چهل و سوم: شورای ایالتی در اولین اجلاس خویش کمیسیون را از بین اعضای خود جهت بررسی وثایق عضویت انتخاب می‌کند. این کمیسیون نتایج بررسی را به مجلس شورای ایالتی مربوط گزارش می‌دهد.

ماده چهل و چهارم: شورای ایالتی در اولین جلسه خویش یک نفر را به‌حیث رئیس، دو نفر را به‌حیث نایب رئیس و ۲ نفر را به‌حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک‌و‌نیم سال از بین اعضای خویش انتخاب می‌کند.

تلویزیون و مطبوعات، در جهت رشد آگاهیهای عمومی، تأسیس و توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی، فراهم نمودن امکانات لازم غرض آموزش عالی، بسط و توسعه مراکز طبی برای تأمین صحت و سلامتی مردم و تحصیل خودکفایی در تمام زمینههای علمی، فرهنگی صنعتی و هنری اقدامات لازم نماید.

ماده سی و هفتم: ایالت، اوزان، مقیاس‌ها و محک‌ها را با فورم و استاندارد بین‌المللی گسترش داده تطبیق می‌نماید.

ماده سی و هشتم: ایالت احکام مواد فصل چهارم قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در رابطه به تابعیت، آزادی، حقوق اساسی و وجایب اتباع را در نظر گرفته عملی می‌نماید.

فصل سوم: شورای ایالتی (قوه مقننه)

ماده سی و نهم: شورای ایالتی مظهر اراده مردم و عالی‌ترین ارگان تقنینی ایالت می‌باشد که از اراده مردم نمایندگی می‌کند.

- مردم ایالت از طریق شورای ایالتی در زندگی سیاسی - اجتماعی ایالت سهم می‌گیرد.

ماده چهلیم: اعضای شورای ایالتی از طریق رأی‌گیری عمومی، مساوی، سری، آزاد

ماده پنجاه و یکم: اعضای شورای ایالتی در اجلاس خویش دارای حق رأی و اظهار نظر می‌باشد.

- هیچ عضو شورای ایالتی به خاطر رأی با اظهار نظر در داخل و یا خارج شورا مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد، به استثنای حالات جرم مشهود.

- عضو شورای ایالتی بدون موافقت شورا و در حالت بین دو اجلاس شورای ایالتی بدون موافقه هیأت اداری آن توقیف و مورد تعقیب عدلی قرار گرفته نمی‌تواند.

- هرگاه عضو شورای ایالتی در حالت جرم مشهود گرفتار گردد، باید به هیأت اداری شورای ایالتی اطلاع داده شود.

ماده پنجاه و دوم: شورای ایالتی دارای صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

۱- طرح تعدیل قانون اساسی ایالت به پیشنهاد یک ثلث و موافقت دو ثلث اعضای شورا و تایید رئیس هیأت اجراییه ایالت که جهت تصویب به شورای ملی فدرال پیشنهاد می‌گردد.

۲- قبول استعفای رئیس، معاون و اعضای هیأت اجراییه ایالت.

۳- تصمیم بر عزل، تحقیق و محاکمه رئیس هیأت اجراییه، معاونین و اعضا در

- بعد از یک‌و‌نیم سال این انتخابات تجدید می‌گردد.

ماده چهل و پنجم: از هر ۳۰۰۰۰ نفر یک نفر به‌حیث نماینده در شورای ایالتی انتخاب می‌گردد.

ماده چهل و ششم: رئیس شورای ایالتی رهبری و تأمین نظم مجلس را به‌عهده دارد. در غیاب رئیس شورای ایالتی وظایف آنرا یکی از نایبان شورای ایالتی انجام می‌دهد.

ماده چهل و هفتم: مدت اجلاس عادی سالانه شورای ایالتی توسط طرزالعمل خود شورای ایالتی تعیین می‌گردد.

ماده چهل و هشتم: اجلاس فوق‌العاده شورای ایالتی براساس تصمیم رئیس هیأت اجراییه ایالت، مطالبه رئیس شورای ایالت و با تقاضای یک ربع اعضای مجلس شورای ایالت دایر شده می‌تواند.

ماده چهل و نهم: اجلاس شورای ایالتی علنی بوده مگر اینکه شورا به سری بودن آن تصمیم بگیرد.

- جریان مباحثات شورای ایالتی ثبت می‌گردد.

ماده پنجاهم: شورای ایالتی اصول و وظایف داخلی خود را وضع و تصویب می‌نماید.

- ۷- اتخاذ تصمیم در مسایل مهمی که به سرنوشت ایالت تعلق دارد.
- ۸- پیشنهاد تعدیل و لغو قوانین ایالتی و طرح قوانین جدید بعد از موافقه رئیس هیأت اجراییه و ارسال آنها به غرض تصویب به شورای ملی فدرال.
- ۹- طرح پلانه‌های انکشافی اقتصادی - اجتماعی ایالت بعد از تایید رئیس هیأت اجراییه و تقدیم آن به هیأت وزرای فدرال.
- ۱۰- استماع جواب رئیس هیأت اجراییه در مورد اجراءات شامل صلاحیت‌های شان.
- ۱۱- اعطای رأی اعتماد و یا سلب اعتماد از هیأت اجراییه ایالت.
- ماده پنجاه و سوم:** شورای ایالتی صلاحیت دارد، براساس پیشنهاد ثلث اعضای خود جهت بررسی اجراءات هیأت اجراییه، ولایات، ولسوالیها و نواحی کمیسیون را توظیف نماید.
- ماده پنجاه و چهارم:** شورای ایالتی حق دارد، در جلسه استیضاح از رئیس هیأت اجراییه (رئیس ایالت) توضیحات بخواهد.
- پاسخ استیضاح به صورت تحریری و یا شفاهی ارائه می گردد.
- شورای ایالتی می تواند براساس پاسخ ارائه شده، موضوع سلب اعتماد رئیس و حالت رحالت اتهام به ارتکاب جرم و خیانت بزرگ.
- ۴- هرگاه رئیس هیأت اجراییه متهم به جرمی و یا ارتکاب خیانت قرار گیرد، موضوع براساس درخواست یک ثلث اعضا در مجلس شورای ایالتی مطرح و تحت غور و بررسی قرار می گیرد هرگاه دو ثلث اعضای شورا آن را وارد دانست، در آن صورت موضوع را جهت تعقیب، تحقیق و تعیین مجازات متهم به مقام ریاست جمهوری فدرال اطلاع و محکمه اختصاصی از طرف رئیس جمهور تعیین می گردد.
- الی تعیین و انتخاب رئیس هیأت اجراییه جدید معاون رئیس هیأت اجراییه ایالت از وظایف او سرپرستی می نماید.
- در صورتیکه معاون ریاست هیأت اجراییه نیز به عین جرم متهم گردد رئیس شورای ایالتی از مقام ریاست هیأت اجراییه سرپرستی می نماید.
- در حالت وفات رئیس هیأت اجراییه ایالت الی تعیین و انتخاب هیأت اجراییه جدید، معاون او وظایف ریاست هیأت اجراییه ایالت را به عهده می گیرد.
- ۶- تعیین حدود جغرافیایی واحدهای اداری ایالت مربوط به تصویب شورای ملی فدرال.

از رئیس هیأت، دو نفر معاونان و دو نفر منشی.

ماده شصتم: رئیس هیأت اجراییه ایالت توسط آرای عمومی مردم ایالت برای مدت سه سال انتخاب می‌گردد.

— یک شخص صرف برای دو دوره به‌حیث رئیس ایالت انتخاب شده می‌تواند.
— رئیس ایالت نزد شورای ایالتی مسؤول است.

ماده شصت و یکم: هر تبعه جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان که سن ۳۰ سالگی را تکمیل و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد به‌حیث رئیس ایالت انتخاب شده می‌تواند.

ماده شصت و دوم: رئیس هیأت اجراییه ایالت بعد از انتخاب شدن، در شورای ایالتی حلف آتی را به‌جا می‌آورد:

«به‌نام خداوند بزرگ و توانا سوگند یاد می‌کنم که در تمام اعمال و کردار خود، الهه جل‌جلاله را حاضر و ناظر دانسته، احکام دین مقدس اسلام را اطاعت، قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و قانون اساسی ایالت را حمایت، حقوق و آزادیهای اساسی اتباع را حراست نمایم.»

اعضای هیأت اجراییه را مورد بررسی قرار دهد.

ماده پنجاه و پنجم: اعضای هیأت اجراییه می‌توانند با کسب اجازه از رئیس شورای ایالتی با رأی مشورتی در جلسات عمومی و کمیسیونهای شورا اشتراک نمایند.

ماده پنجاه و ششم: مقامات ذیل حق پیشنهاد تعدیل و لغو قوانین ایالتی و طرح قوانین جدید را به شورای ایالتی دارا می‌باشند:

۱- رئیس ایالت (رئیس هیأت اجراییه).

۲- دو نلث اعضای شورای ایالتی.

۳- هیأت اجراییه.

۴- رئیس قوه قضاییه ایالت.

ماده پنجاه و هفتم: تصویب مقررات و طرزالعمل‌ها در شورای ایالتی بعد از منظوری رئیس هیأت اجراییه ایالت نافذ می‌گردد.

ماده پنجاه و هشتم: نشر تصاویر، طرزالعملها و مقررات شورای ایالتی به زبانهای رسمی کشور بوده و به زبانهای اکثریت ساکنین محل نیز نشر می‌گردد.

فصل چهارم: رئیس هیأت اجراییه ایالت و معاونان او

ماده پنجاه و نهم: هیأت اجراییه که عالیترین ارگان اجراییه ایالت می‌باشد عبارتند

۶- اتخاذ تصمیم در مورد نظرخواهی عمومی راجع به مسایل عمده سیاسی-اقتصادی و اجتماعی در سطح ایالت.

ماده شصت و پنجم: در حالت اراده استعفا، رئیس هیأت اجراییه ایالت استعفاي خود را مستقیماً به شورای ایالت تقدیم می نماید.

- در صورتیکه شورای ایالت استعفاي وی را به اکثریت قاطع تایید نماید، رئیس جمهور دولت فدرالی اسلامی افغانستان آنرا منظور می نماید.

فصل پنجم: قوه قضاییه ایالت (شورای قضایی)

ماده شصت و ششم: قضاء (قوه قضاییه) رکن مستقل ایالت فدرال می باشد. **ماده شصت و هفتم:** قضاوت در ایالت، صرف توسط محکمه و طبق قانون صورت می گیرد.

ماده شصت و هشتم: قوه قضاییه ایالت فدرال مرکب است از شورای قضایی ایالت و محاکم دیگر که طبق قانون تشکیل می گردند.

ماده شصت و نهم: شورای قضایی ایالت فدرال به حیث عالی ترین ارگان قضایی در رأس سیستم واحد قضایی ایالت قرار

با استعانت از بارگاه پروردگار تمام مساعی خود را در برقراری عدالت در جامعه و در راه سعادت مردم و ترقی ملت افغانستان بکار برم.»

ماده شصت و سوم: رئیس هیأت اجراییه ایالت از صلاحیتهای مندرج در قانون اساسی فدرال و این قانون اساسی و سایر قوانین ایالتی در عرصه تقنینیه، اجراییه و قضاییه برخوردار می باشد.

ماده شصت و چهارم: رئیس هیأت اجراییه ایالت علاوه بر صلاحیتهای مندرج این قانون، صلاحیتهای آتی می باشد:

۱- دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورای ایالتی.

۲- تایید قانون اساسی ایالت و منظوری مقررات، طرزالعملها و مصوبات شورای ایالت و اعلام انفاذان.

۳- معرفی معاونان و منشیان رئیس هیأت اجراییه ایالت به شورای ایالتی به غرض تایید تعیین آنها و استحصالی منظوری شان از مقام ریاست جمهوری فدرالی اسلامی کشور.

۴- مطالبه تایید عزل معاونان و منشیان هیأت اجراییه از شورای ایالتی.

۵- منظوری، تقرر، انفکاک، ترفیع و تقاعد قضات، افسران پولیس، قوای مسلح و کارمندان ملکی طبق قانون.

گرفته و به پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه می‌گردد.

ماده هفتاد و پنجم: قضات حین بررسی قضایا، احکام قانون اساسی، قوانین دولت فدرال و احکام این قانون اساسی را تطبیق می‌نمایند.

در حالاتیکه قانون صراحت نداشته باشد، محکمه، قضایای را طبق احکام شریعت مقدس اسلام به نحوی حل و فصل می‌نماید که عدالت را به بهترین وجه ممکن تأمین نماید.

ماده هفتاد و ششم: در محاکم ایالت، محاکمه به صورت علنی اجرا می‌شود. حالاتی که قضایا در جلسات سری رسیدگی می‌شود، توسط قانون تعیین می‌گردد.

— فیصله‌های قطعی محاکم واجب‌التعمیل است. در صورتیکه محکمه شخصی را محکوم به اعدام نماید، توشیح رئیس جمهور شرط است.

— ابلاغ حکم محکمه در همه حالات علنی است.

ماده هفتاد و هفتم: رسیدگی و حل و فصل قضایا در محاکم به لسانهای پشتو و دری و یا به لسان اکثریت ساکنین محل صورت می‌گیرد.

داشته، مرکب است از رئیس القضاة (رئیس شورای قضایی)، دو نفر معاون و چهار نفر اعضا.

ماده هفتادم: شورای قضایی ایالت مطابق احکام قانون فعالیت‌های محاکم را در ایالت مربوط نظارت نموده تطبیق یکسان قانون را در فعالیت‌های محاکم تأمین میکند.

ماده هفتاد و یکم: رئیس القضاة ایالت، معاونان و اعضای او به پیشنهاد رئیس هیأت اجراییه ایالت، موافقت قاضی القضاة دولت فدرال و منظور رئیس جمهور مقرر می‌گردند.

— سایر قضات ایالت به پیشنهاد رئیس القضاة و منظوری رئیس ایالت مقرر می‌گردند.

ماده هفتاد و دوم: ترفیع، تقاعد، استعفا و عزل رئیس القضاة، معاونان و اعضای شورای قضایی و سایر قضات ایالت توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هفتاد و سوم: قضات در قضاوت خود صرف تابع قانون و احکام شریعت مقدس اسلام می‌باشند.

ماده هفتاد و چهارم: صلاحیت قضا شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به‌شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی‌الیه قرار

- فیصله‌های محاکم باید مدلل باشد و دلایل حکم در آن ذکر گردد.

ماده هفتاد و هشتم: کشف جرایم از طرف پولیس ایالت بوده تعقیب، تحقیق و اقامه دعوی از طرف مدعی العموم سازنوال که جزء قوه قضاییه ایالت می‌باشد، مطابق احکام قانون صورت می‌گیرد.

ماده هفتاد و نهم: شورای قضایی ایالت در ساحة تنظیم امور قضایی، قوانین را طرح و به شورای ایالتی پیشنهاد می‌نماید.

ماده هشتادم: تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز‌العمل محاکم ایالت توسط قانون تنظیم می‌گردد.

تذکر: از آن جایی که در این قانون ماده (۱۴۱) موجود نیست، بنده به مجموعه قوانین اساسی افغانستان سال (۱۳۷۴) صفحه (۳۵۵) مراجعه کردم، موجود نبود. و همچنان به فصلنامه سراج، سال اول، شماره (۳ و ۴)، بهار و تابستان (۱۳۷۴) صفحه (۸۹) مراجعه کردم، ماده (۱۴۱) موجود نبود. بعد با آقای دین محمد جاوید به تاریخ اول میزان ۱۳۹۶ ساعت ۱۱ الی ۲ بعد از ظهر صحبتی داشتیم پیرامون نبود ماده فوق؛ آقای جاوید افزود: به یادم است که این ماده بنا به دلایلی حذف گردیده است.